

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۴

هزار و سیصد و نود و هفت - تابستان

- ۷ • مشروعیت سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه غیربین المللی: تأملی در بحران یمن
دکتر آرامش شهبازی - پویا برلیان
- ۳۷ • تحلیل ابعاد حقوقی فناوری زیستی تراریخت از منظر امنیت غذایی
دکتر نجمه رزمخواه - دکتر بهاره حیدری
- ۵۵ • قابلیت انتساب ادله الکترونیک
دکتر ایرج بهزادی
- ۷۱ • جنگ اطلاعات از منظر اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه
کیوان اقبالی
- ۱۱۱ • سوءاستفاده از مصونیت ها و مزایای سازمان های بین المللی؛ به دنبال راهکاری برای مقابله با آن
سید علی حسینی آزاد - مسعود احسن نژاد
- ۱۴۱ • تبیین ابزارهای احراز شرط گام ابتکاری در اختراعات (فن یا صنعت قبلی، شخص یا مهارت معمولی در دانش)
حامد نجفی - مهسا مدنی
- ۱۶۱ • رهیافت های مختلف حقوق و روابط بین الملل نسبت به مفهوم منافع ملی
حیدر پیری - پریسا دهقانی
- ۱۸۵ • صلاحیت سرزمینی دادگاه های ایران نسبت به جرایم ارتكابی در فضای سایبر
نجمه غفاری الهی کاشانی
- ۲۱۹ • نخستین رأی دیوان کیفری بین المللی: حقوق قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه میان یک دولت خارجی با گروه های غیردولتی
سمانه شعبانی
- ۲۴۱ • نقدی بر نهاد مشاوره در لایحه آیین دادرسی تجاری
دکتر کورش کاویانی - پرویز رحمتی - رضا خودکار
- ۲۶۱ • مقررات شورای اتحادیه اروپا، به شماره ۲۰۱۰/۱۲۵۹ مورخ ۲۰ مورخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ راجع به ارتقای همکاری در زمینه قانون حاکم بر طلاق و تفریق قانونی (موسوم به مقررات رم ۳)
تحقیق و ترجمه: دکتر مهدی امینی - دکتر حسین کاویار





جنگ اطلاعات از منظر اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

کیوان اقبالی*

چکیده:

اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، به عنوان اصل بنیادین حقوق بشردوستانه، نقشی اساسی در حمایت از غیرنظامیان در برابر خسارات ناشی از جنگ برعهده دارد. تداوم کارایی اصل تفکیک، مستلزم توانایی تطابق با پدیده‌های جدیدی است که هر از چندی و به لطف پیشرفت تکنولوژی در عرصه مخاصمات مسلحانه ظاهر می‌گردند. از جمله این پدیده‌های نوین، جنگ اطلاعات می‌باشد که بنا به ماهیت غیرفیزیکی و توانایی در ایجاد اثرات مخرب، موجب بروز تردیدهایی در رابطه با چگونگی انطباق‌یابی آن با اصل تفکیک، در صورتی که در جریان یک مخاصمه توسط یکی از طرفین مورد استفاده قرار گیرد، شده است. مقاله حاضر به بررسی چگونگی اجرای اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در صورت به کارگیری جنگ اطلاعات در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

جنگ اطلاعات، اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان، حمله اطلاعاتی، رزمنده، غیرنظامی، هدف نظامی، هدف غیرنظامی، مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه مسلحانه.

مقدمه

یکی از چالش‌های حقوق به عنوان قواعد نظم‌دهنده زندگی جوامع انسانی، انطباق یافتن با تحولات شتابان تکنولوژیکی می‌باشد که هر روزه عرصه‌های جدیدی را به زندگی بشر وارد نموده و هرکدام به نوبه خود لزوم ایجاد قواعد حقوقی ویژه‌ای برای به نظم درآوردن فعالیت‌های انسانی مرتبط با خود را مطرح می‌نمایند.

در این میان، حقوق بین‌الملل که وظیفه تنظیم روابط میان اعضای جامعه بین‌المللی را بر عهده دارد نیز مستثنا نبوده و این رشته از حقوق هم در پی ابداع هر فناوری نوینی که به هر نحو ممکن دارای اثراتی بر روابط اعضای جامعه بین‌المللی باشد، ناگزیر از طرح قواعد خاص و مرتبط با شرایط حاصل از به کارگیری آن خواهد بود.

این نیاز به انطباق با شرایط جدید متأثر از فناوری‌های نوین در عرصه حقوق بین‌الملل، در حقوق بشردوستانه بیش از بسیاری دیگر از عرصه‌های حقوق بین‌الملل جلوه‌گر می‌گردد. قواعدی که هدف از ایجاد آنها، انسانی‌تر نمودن چهره خشن جنگ و کاستن از آلام و رنج‌های آدمیان گرفتار در هنگامه نبردها می‌باشد و در همین راستا، اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان به عنوان اصلی که در آن سعی در جداسازی رزمندگان از غیرنظامیان و مصون نگاه داشتن دسته اخیر از حملات نظامی طرفین متخاصم شده، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

در واقع، شتاب به کارگیری تکنولوژی‌های نوین در ساخت سلاح‌های تازه و به کارگیری آنها در میدان جنگ، در دهه‌های اخیر به گونه‌ای بوده که به جرئت می‌توان از وقوع یک انقلاب در عرصه فعالیت‌های نظامی سخن گفت، انقلابی که نه تنها می‌تواند سیمای متفاوتی به جنگ‌های قرن بیست و یکم بخشیده و آنها را به طور کلی از جنگ‌های قرن گذشته متفاوت کند، بلکه کارایی قواعد حقوق بشردوستانه را هم در رویارویی با واقعیت‌های نوظهور ناشی از به کارگیری چنین سلاح‌هایی با چالش مواجه نماید.

به عبارت بهتر، به نظر می‌رسد که در تلاش برای انطباق با ماهیت متغیر و به‌روزشونده فناوری‌های به کاررفته در مخاصمات، انطباق‌دهی حقوق بشردوستانه با استفاده از چنین فناوری‌هایی به عنوان سلاح، مستلزم فعالیتی مستمر برای ارائه پاسخ و یافتن دستورالعمل مناسب برای هر فناوری و با توجه به ویژگی‌های آن خواهد بود. تلاشی که به واقع می‌تواند

ملاک خوبی در ارزیابی توانایی کلی حقوق بین‌الملل در پاسخ‌گویی به ظهور موضوعات جدید در مناسبات بین تابعان خویش تلقی گردد.

در این راستا، به نظر می‌رسد که به کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی در مناقشات میان تابعان حقوق بین‌الملل که از آن با عنوان کلی جنگ اطلاعات یاد می‌شود، جایگاه ویژه‌ای را در مباحثات فوق به خود اختصاص داده است. متأسفانه، با مقایسه تلاش‌های چند ده‌ساله اخیر در راستای هماهنگ‌سازی حقوق بشردوستانه با به کارگیری دیگر فناوری‌های مدرن در مخاصمات مسلحانه، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در چارچوب حقوق بشردوستانه و در راستای ابهام‌زدایی و تعیین قواعد کارآمد در رویارویی با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی در مخاصمات، توفیق چندانی حاصل نگردیده است.

به عبارت دیگر، علی‌رغم تلاش‌های موفقیت‌آمیز صورت‌گرفته به منظور انطباق قواعد بشردوستانه بر به کارگیری بسیاری فناوری‌های دیگر در جنگ‌ها، وضعیت چگونگی اعمال این قوانین بر جنگ اطلاعات تا حدود زیادی همچنان مجهول باقی مانده است؛ آن هم به گونه‌ای که می‌توان سخن از وجود نوعی سردرگمی حقوقی در این ارتباط به میان آورد.

این در حالی است که فناوری‌های اطلاعاتی همانند سلاح‌های متقارن و سنتی، دارای قابلیت ایجاد جراحت، مرگ و تخریب بوده و هرکدام به نوبه خود، در صورت عدم رعایت مرزهای موجود بین رزمندگان و غیرنظامیان می‌توانند هدف اصلی و بنیادین حقوق بشردوستانه، یعنی رعایت تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان در جریان یک مخاصمه را با تهدید جدی مواجه نمایند.

در واقع، امروزه وجود همین قابلیت‌ها، نه‌تنها منجر به آن شده که بسیاری از نظریه‌پردازان مسائل نظامی، فضای سایبری را در کنار زمین، هوا و دریا به عنوان عرصه‌ای نوین برای نبرد مورد توجه قرار دهند، بلکه موجب گردیده تا شمار روزافزونی از دولت‌ها نیز به گنجاندن گزینه جنگ اطلاعات به عنوان رهیافتی با کاربرد دوگانه دفاعی و تهاجمی در برنامه‌های نظامی خویش مبادرت بنمایند.^۱

۱. در مقاله حاضر سعی بر آن بوده تا به مفهوم جنگ اطلاعات از منظر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نگریسته شود. البته هرچند که جنگ اطلاعات در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز به خوبی قابلیت به کارگیری دارد، اما به نظر می‌رسد که طرح این بحث، یعنی به کارگیری جنگ اطلاعات در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در مقاله حاضر چندان مناسب نباشد. در واقع، گرچه قابلیت‌های جنگ اطلاعاتی در آسیب‌رسانی به منافع دشمن از یک سو و ماهیت اساساً نابرابر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی از سوی دیگر که در آن به طور معمول نیروهای

از این رو و با توجه به وجود چنین گرایش فزاینده‌ای در به کارگیری جنگ اطلاعات در رویکردهای نظامی و امنیتی، لزوم توجه ویژه به این مسئله در چارچوب حقوق بشردوستانه و علی‌الخصوص اجرای اصل تفکیک در چارچوب جنگ اطلاعات، به صورت جدی احساس می‌گردد. چراکه تنها در صورت مطابقت داده شدن جنگ اطلاعات با قواعد بشردوستانه و به ویژه اصل بنیادین آن یعنی اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان به عنوان رکن اساسی آن خواهد بود که در صورت به کارگیری چنین فناوری‌هایی در مخاصمات، همچنان می‌توان به کارایی قواعد بشردوستانه در تعدیل اثرات مخرب جنگ‌ها امیدوار بود. مسئله‌ای که تاکنون موجب بحث‌ها و تبادل نظرهای فراوانی در محافل علمی فعال در زمینه مسائل بشردوستانه شده تا به آنجا که حتی سخن از لزوم تدوین کنوانسیون جدید در ارتباط با جنگ اطلاعات هم به میان آمده است.

با توجه به آنچه که در باب اهمیت مسئله از منظر بشردوستانه گفته شد، در تحقیق پیش رو نگارنده به نوبه خود سعی در بررسی وضعیت جنگ اطلاعات از منظر اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه نموده است.

۱- جنگ اطلاعات و حقوق بشردوستانه

۱-۱- آشنایی با مفهوم جنگ اطلاعات

در رابطه با تعریف این پدیده به نظر می‌رسد که «علی‌رغم اینکه جنگ اطلاعات به صورت ویژه‌ای، تبدیل به یکی از نگرانی‌های اصلی رهبران و افکار عمومی شده است، اما همچنان مفهومی مبهم و گنگ باقی مانده، هرچند در موارد متعددی از این اصطلاح استفاده شده

نظامی یک دولت با برتری کامل تسلیحاتی در برابر گروه‌های مسلح غیردولتی قرار می‌گیرند، می‌تواند جنگ اطلاعات را به ابزاری مناسب برای چنین گروه‌هایی در راستای مبارزات خویش تبدیل نماید، اما باید توجه داشت که توسل به جنگ اطلاعات در چنین مخاصماتی به تبع بیش از آنکه معلول قدرت نظامی و برتری‌های تکنولوژیکی طرف به کارگیرنده باشد، نتیجه ضعف طرف به کارگیرنده در برابر دشمن خواهد بود. مسئله‌ای که خواه ناخواه در چارچوب عدم تقارن بین قوای طرفین و تلاش طرف ضعیف‌تر برای یافتن امکانات در دسترس برای غلبه بر طرف قوی‌تر قابل بحث می‌باشد. بر این مبنا، به نظر می‌رسد که شاید بهتر باشد به بحث جنگ اطلاعات در مخاصمات مسلحانه داخلی در بحث‌های مرتبط با جنگ نامتقارن و در چارچوب مقاله‌ای دیگر پرداخت.

است.^۲ از این رو شاید نتوان به سادگی تعریف کامل و جامعی که همه جنبه‌های این پدیده را به خوبی معرفی نماید، ارائه نمود؛ اما در عین حال، بررسی تعاریف موجود نیز خالی از فایده نبوده و می‌تواند تا حدود بیشتری ما را با مفهوم جنگ اطلاعات آشنا نماید. البته پیش از ارائه هرگونه تعریفی، بهتر آن است که برای دستیابی به مفهوم صحیحی از جنگ اطلاعات، بین آنچه که عملیات اطلاعاتی نامیده می‌شود و آنچه که می‌توان از آن با نام جنگ اطلاعات نام برد، قائل به تمایز گردیم.

عملیات اطلاعاتی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «اعمالی که با هدف اثرگذاری بر اطلاعات یا سیستم‌های اطلاعاتی دشمن صورت می‌گیرند، آن هم در شرایطی که سعی در حفاظت از اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی خودی در مقابل چنین اعمالی می‌گردد.»^۳

چنین عملیاتی را می‌توان شامل هرگونه اقدامی که با نیت کشف، جایگزینی، انهدام یا اختلال در اطلاعات ذخیره‌شده، پردازش‌شده و یا انتقال‌یافته توسط یک سیستم رایانه‌ای، صرف‌نظر از آنکه در زمان صلح یا جنگ انجام گیرد، دانست.^۴

به عبارت بهتر، می‌توان مفهوم عملیات اطلاعاتی را به اختصار، «هرگونه فعالیتی که با هدف مسدود نمودن، سرقت، تخریب یا انهدام اطلاعات دشمن یا جلوگیری از به کارگیری آنها توسط وی و یا حمایت از اطلاعات خودی در برابر چنین فعالیت‌هایی صورت می‌پذیرد»^۵ و یا «هرگونه استفاده از اطلاعات یا سیستم‌های اطلاعاتی، برای دستیابی یا اثرگذاری بر اطلاعات یا سیستم‌های اطلاعاتی دشمن، یا به منظور حفاظت از اطلاعات یا سیستم‌های اطلاعاتی خودی»^۶ معرفی نمود.

با این حال به نظر می‌رسد که تعریف جنگ اطلاعات دارای مفهوم پیچیده‌تری بوده و در حقیقت می‌بایست آن را زیرمجموعه‌ای از طیف گسترده‌تری از اعمالی که می‌توان همه را عملیات اطلاعاتی محسوب نمود، تلقی کرد.

۲. محمود مورکیان، «جنگ اطلاعات از منظر حقوق بین‌الملل» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵)، ۱۷۰.

3. Micheal N.Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," *International Review of the Red Cross* 84(8460) (2002): 365.

4. Ibid, 365.

5. Micheal J.Robbat, "Resolving the Legal Issues Concerning the Use of Information Warfare in the International Forum: The Reach of the Existing Legal Framework, and the Creation of a New Paradigm," *Journal of Science & Technology Law* 6 (2000): 264.

6. Davis Brown, "A Proposal for an International Convention to Regulate the Use of Information Systems in Armed Conflict," *Harvard International Law Journal* 47(1) (2006): 183.

بنا بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم از جنگ اطلاعات تعریفی جامع ارائه دهیم، می‌بایست آن را صرفاً شامل آن دسته از عملیات‌های اطلاعاتی دانست که در زمان بروز یک مخاصمه و با هدف دستیابی به اهداف خاصی در برابر یک دشمن خاص صورت می‌پذیرند. به عبارت بهتر، تنها زمانی می‌توان یک عملیات اطلاعاتی را جنگ اطلاعات دانست که منحصراً در جریان یک مخاصمه روی داده باشد.^۷

پیش از اشاره به انواع ابزارهای اطلاعاتی به کاررفته در چارچوب جنگ اطلاعات، می‌بایست توجه داشت که نوع ابزار به کاررفته در جنگ اطلاعات، بستگی مستقیمی به اهدافی دارد که در جریان یک حمله اطلاعاتی مدنظر می‌باشد. این اهداف را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: ۱- دستیابی به برتری اطلاعاتی و در عین حال تلاش در راستای حفاظت از اطلاعات خودی در برابر حملات اطلاعاتی متقابل دشمن؛^۸ ۲- استفاده از جنگ اطلاعات به عنوان سلاح علیه دشمن؛^۹ ۳- به کارگیری سیستم‌های اطلاعاتی به منظور مؤثرتر کردن اعمال زور صورت‌گرفته از طریق سایر ابزارها.^{۱۰}

در راستای دستیابی به چنین اهدافی، ابزارهای گوناگونی به کار می‌روند که شناخته‌شده‌ترین آنها عبارتند از:

۱- Sniffer: این ابزار امکان دسترسی به رمزهای ورودی شبکه‌های اطلاعاتی را که موجب تسهیل در ورود به شبکه و دستیابی یا نظارت بر اطلاعات آن می‌گردد، فراهم می‌نماید.

۲- Trojan Horse: این ابزار به طور معمول برای نفوذ در ابرسیستم‌های اطلاعاتی به کار رفته و برای ایجاد اختلال در کنترل این شبکه‌ها که امکان به دست‌گیری آنها توسط مهاجم را ایجاد می‌نماید، استفاده می‌گردد.

۳- Trap Door: از این ابزار برای آشفتگی و ناهماهنگی در سیستم‌های کنترل و مدیریت پرواز استفاده می‌گردد.

۴- Logic Bomb: این ابزار پس از ورود به سیستم مخفی مانده و در زمان مشخص و معینی وارد عمل شده و موجب اختلال در سیستم‌ها می‌گردد.

7. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 366.

8. Brown, op.cit., 184.

9. Ibid, 184.

10. Ibid, 184.

۵- Video Morphing: برای ایجاد اشتباه در سیستم‌های اطلاعات تصویری به کار می‌رود.

۶- Spamming: این ابزار باعث به وجود آمدن اختلال در سیستم‌های اطلاعات‌رسانی، از قبیل ارسال‌کننده‌های نامه‌های الکترونیکی می‌گردد.

۷- IP Spoofing: کاربری آن، ایجاد پیام‌های الکترونیکی جعلی و مشابه با پیام‌های اصلی، با هدف گمراه نمودن دریافت‌کننده می‌باشد.

۸- Computer Worm یا Virus: از این ابزار برای انهدام یا تخریب اطلاعات موجود در یک شبکه استفاده می‌گردد.

اکنون شایسته است تا پس از این آشنایی مختصر با مفهوم جنگ اطلاعات به موضوع اصلی تحقیق حاضر که بررسی وضعیت جنگ اطلاعات از منظر اعمال اصل بنیادین حقوق بشردوستانه یعنی همان اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان می‌باشد، بپردازیم.

۱-۲- اجرای حقوق بشردوستانه در جنگ اطلاعات

تحقیق حاضر همان‌گونه که از عنوان آن آشکار است، تلاشی می‌باشد در راستای بررسی مناسبات اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان از یک سو و پدیده نوظهور جنگ اطلاعات از سوی دیگر. اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان را به درستی می‌بایست سنگ بنا و اساسی‌ترین اصل حقوق بشردوستانه و در بالاترین رتبه از سلسله‌مراتب قواعد بشردوستانه تلقی نمود، چراکه این اصل به درستی آینه تمام‌نمایی از هدف اصلی حقوق بشردوستانه یعنی حمایت از افراد غیرمشارکت‌کننده در مخاصمات مسلحانه در برابر خشونت‌های ناشی از مخاصمات می‌باشد.

در واقع، التزام مقرر در اصل تفکیک برای رزمندگان در رابطه با لزوم متمایز کردن خویش از غیرنظامیان و همچنین خودداری از حمله به ایشان، به بهترین نحو ممکن تضمین‌کننده این هدف بنیادین حقوق بشردوستانه می‌باشد. به عبارت بهتر، به نظر می‌رسد که اساساً در جریان یک مخاصمه و با توجه به جایگاه شاخص اصل تفکیک، انتظار رعایت سایر قواعد حقوق بشردوستانه آن هم بدون رعایت الزامات مقرر در این اصل، امری محال یا دست‌کم بسیار دور از انتظار خواهد بود.

البته پیش از آنکه بتوانیم به بررسی جایگاه اصل تفکیک در ارتباط با جنگ اطلاعات بپردازیم، ضروری است تا ابتدا از قابلیت اجرایی قواعد حقوق بشردوستانه بر جنگ اطلاعات،

در کلیت آن که اصل تفکیک نیز در رأس سلسله‌مراتب ایشان قرار گرفته است، ابهام‌زدایی صورت گیرد. بدیهی است که تنها در صورتی می‌توان از امکان اجرای اصل تفکیک در رابطه با جنگ اطلاعات سخن به میان آورد که اساساً امکان اجرای حقوق بشردوستانه در کلیت آن، در ارتباط با این پدیده، امکان‌پذیر بوده باشد.

دیدگاه‌های موجود در مورد وضعیت به کارگیری جنگ اطلاعات از منظر حقوق بشردوستانه را می‌توان در دو گروه متفاوت طبقه‌بندی نمود:

۱- دیدگاهی که طرفداران آن معتقد هستند که حقوق بشردوستانه در ارتباط با جنگ اطلاعات قابل اجرا می‌باشد، ولی با توجه به اینکه اساساً شالوده آن (کنوانسیون ۱۹۰۹ لاهه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آنها) در زمانی ریخته شده که هنوز بحث جنگ اطلاعات مطرح نبوده، در حال حاضر باید آن را فاقد قواعد مناسب و مرتبط با موضوع فوق‌الذکر دانسته و در نتیجه نیازمند قواعدی جدید در این رابطه تلقی نمود؛^{۱۱}

۲- گروه دیگری معتقد هستند که به طور کلی مبحث جنگ اطلاعات را باید خارج از چارچوب قواعد بشردوستانه قرار داد، چراکه این قواعد در اساس برای اجرا در مورد ابزارهایی طراحی شده که برای اثرگذاری وابسته به اعمال زور فیزیکی بوده و بنابراین نمی‌توان چنین قواعدی را در مورد جنگ اطلاعات که در آن اعمال زور فیزیکی صورت نمی‌گیرد، به کار گرفت.^{۱۲}

دیدگاه اول با توجه به دلایلی چند، غیر قابل پذیرش به نظر می‌رسد. مهم‌ترین این دلایل را می‌توان برمبنای رویه و اسناد موجود در چارچوب حقوق بشردوستانه چنین برشمرد. برمبنای اصل کاملاً پذیرفته‌شده در عرف بین‌المللی بشردوستانه موسوم به «شرط مارتنس»، صرف عدم صحبت از وضعیتی در اسناد بشردوستانه بین‌المللی، مانع از شمول حقوق بشردوستانه بر چنین وضعیت‌هایی نمی‌گردد، چراکه در چنین حالتی نیز هر دو گروه غیرنظامیان و رزمندگان، همچنان تحت پوشش آن دسته از قواعد بشردوستانه بین‌المللی که از عرف پذیرفته‌شده بین‌المللی، اصول انسانیت و وجدان عمومی نشئت گرفته‌اند، باقی خواهند ماند.^{۱۳}

11. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 368.

12. Ibid, 368.

13. Ibid, 369.

علاوه بر این به نظر می‌رسد که خود تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی بشردوستانه هم در مورد قابلیت اجرایی قواعد مقرر در این اسناد، در ارتباط با ابزارها و روش‌های جدید جنگی که در آینده احتمال ابداع آنها بوده، دست به نوعی چاره‌اندیشی زده‌اند. به عنوان نمونه، می‌توان به ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو اشاره نمود. به موجب این ماده:

«هر دولت عضو پروتکل به هنگام بررسی، توسعه، اکتساب و یا پذیرش هرگونه سلاح نوینی، موظف به مشخص نمودن این مسئله می‌باشد که آیا به کارگیری گسترده یا محدود سلاح مربوطه توسط قواعد این پروتکل یا دیگر قواعد حقوق بین‌الملل ملتزم‌کننده دولت عضو، ممنوع شده یا خیر.»

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی خود در رابطه با «مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای» عدم صحت دیدگاه اول را تأیید نموده است. در این رأی دیوان ضمن رد این فرض که به علت ابداع تسلیحات هسته‌ای در زمانی پس از شکل‌گیری قواعد بشردوستانه، امکان اعمال این قواعد بر این سلاح‌ها میسر نمی‌باشد، بر این واقعیت تأکید می‌کند که «در دیدگاه اکثریت قابل توجهی از دولت‌ها و همچنین قضات دیوان، هیچ‌گونه تردیدی در رابطه با اجرای حقوق بشردوستانه بر سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد».^{۱۴}

به عبارت بهتر، به نظر می‌رسد که بتوان نظر دیوان در رابطه با قابلیت اجرایی قواعد بشردوستانه بر سلاح‌های هسته‌ای را با توجه به اینکه جنگ اطلاعات نیز همانند این سلاح‌ها پس از تدوین قواعد حقوق بشردوستانه امکان‌پذیر شده، در ارتباط با به کارگیری آن در جریان مخاصمات هم قابل اعمال دانست.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که از منظر حقوق بشردوستانه صرف ابداع روش یا ابزار به کاررفته در مخاصمات در دوران پس از شکل‌گیری قواعد حقوق بشردوستانه، مانعی بر اجرای این قواعد در مورد آن نبوده و نمی‌توان سخن از عدم تناسب این قواعد با روش‌ها و ابزارهای نوین جنگی به صرف نوظهور بودن آنها به میان آورد.

در رابطه با دیدگاه دوم، به نظر می‌رسد که با وضعیت پیچیده‌تری روبه‌رو هستیم. همان‌گونه که اشاره گردید طرفداران این دیدگاه معتقد هستند که به دلیل ماهیت اساساً غیرفیزیکی جنگ اطلاعات، نمی‌توان این پدیده را در چارچوب حقوق بشردوستانه مورد

14. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapon, ICJ Reports, 1996, 226, 35.

بررسی قرار داد. به عبارت بهتر، با در نظر گرفتن این مسئله که قواعد بشردوستانه تنها «در موارد رسمی اعلام جنگ یا هر مورد دیگری از مخاصمه مسلحانه که ممکن است بین دو یا چند دولت عضو معاهده، حتی در صورت عدم شناسایی وضعیت جنگی از سوی یکی از طرفین درگیرد»^{۱۵}، قابلیت اجرایی می‌یابند و وجود این برداشت که جنگ اطلاعات را به دلیل عدم دارا بودن ماهیت فیزیکی نمی‌توان در زمره مخاصمات مسلحانه قلمداد نمود، این پدیده را می‌بایست خارج از حوزه شمول حقوق بشردوستانه محسوب گردانید.^{۱۶}

با عنایت به نقش حیاتی مفهوم مخاصمه مسلحانه در تعیین دایره شمول حقوق بشردوستانه، به نظر می‌رسد که بررسی صحت یا عدم صحت دیدگاه مورد اشاره تنها در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که بتوانیم به تعریف درستی از مخاصمه مسلحانه دست بیابیم. در این راستا می‌توان به تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، به عنوان یکی از نهادهای پیشرو در زمینه تدوین و توسعه حقوق بشردوستانه، از کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آنها اشاره نمود که در بخشی از تفسیر خود به ارائه تعریف از مفهوم مخاصمه مسلحانه نیز مبادرت کرده است.

کمیته در تفسیر خود از کنوانسیون‌ها، مخاصمه مسلحانه را «هر اختلاف واقعه بین دو دولت که منجر به مواجهه نیروهای نظامی ایشان با یکدیگر گردد، ... حتی در مواردی که بروز وضعیت جنگی، از سوی یکی از طرفین انکار شده باشد و صرف‌نظر از طول مدت یا شدت خشونت‌های صورت گرفته»^{۱۷}، تعریف می‌نماید. مشابه همین تعریف در تفسیر کمیته از پروتکل اول الحاقی هم تکرار شده است. به موجب این تفسیر، حقوق بشردوستانه در هر اختلاف حادث‌گردیده بین دو دولت که سبب به کارگیری نیروهای مسلح ایشان گردد، بدون توجه به مدت یا شدت درگیری قابلیت اعمال خواهد داشت.^{۱۸}

بنا بر آنچه که از این تفسیر برمی‌آید، معیار اصلی در تشخیص وقوع یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، به کارگیری نیروهای مسلح از سوی دولت‌ها در جریان اختلافاتشان می‌باشد؛ اما به نظر می‌رسد که معیار قرار دادن حضور نیروهای مسلح به عنوان ملاک تشخیص مخاصمه، چندان خالی از اشکال نباشد.

15. Article 2 Common to the Four 1949 Geneva Conventions.

16. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 370.

17. Ibid, 372.

18. Ibid, 372.

واقعیت آن است که هر موردی از دخالت نیروهای مسلح در جریان بروز اختلاف بین دولت‌ها را نمی‌توان یک مخاصمه مسلحانه محسوب نمود. به عنوان نمونه در بسیاری موارد مشارکت نیروهای مسلح در اختلاف بین دو دولت صرفاً به اعمالی از قبیل شناسایی یا رهگیری طرف مقابل محدود می‌گردد. علاوه بر آن، امروزه نوعی توافق بین‌المللی در رابطه با عدم شمول مفهوم مخاصمه مسلحانه مورد نظر قواعد بشردوستانه، بر حوادث منفرد و مقطعی همچون درگیری‌های مرزی نیز وجود دارد^{۱۹}، بنابراین به نظر می‌رسد که برای دستیابی به تعریف جامعی از مخاصمه مسلحانه می‌بایست در جستجوی ملاک بهتری باشیم. در واقع، شاید بتوانیم بهترین معیار را با کمک آنچه که از آن با عنوان هدف اصلی شکل‌گیری حقوق بشردوستانه یاد می‌گردد، بیابیم.

همان‌گونه که پیشتر هم اشاره گردید، هدف از تدوین قواعد بشردوستانه چیزی نیست جز انسانی‌تر شدن چهره مخاصمات مسلحانه، هدفی که تنها از طریق تلاش برای محدودسازی میزان خسارات و تلفات وارده در پی بروز هر مخاصمه‌ای، محقق می‌گردد.^{۲۰} به دیگر عبارت، با بازبینی قواعد و اسناد بشردوستانه، این حقیقت آشکار می‌شود که حمایت از جان و مال افرادی که به صورت مستقیم در مخاصمات شرکت نداشته‌اند، هدف بنیادین و سنگ‌بنای حقوق بشردوستانه می‌باشد.^{۲۱}

هدفی که به صورت عمده در قواعد حمایت‌کننده از غیرنظامیان و اموال ایشان و همچنین آن گروه از نیروهای مسلح متخاصمین که به دلایلی همچون جراحت یا اسارت قادر به ادامه مشارکت مستقیم در مخاصمه نیستند، تجلی نموده است.^{۲۲} حمایت از جان و مال افراد در یک مخاصمه مسلحانه به معنای آن خواهد بود که در جریان مخاصمه باید در رابطه با خود افراد مورد حمایت، خطر مرگ یا جراحت و در مورد اموال ایشان خطر خسارت‌دیدگی یا انهدام مطرح باشد.^{۲۳}

به عبارت بهتر، تنها زمانی می‌توان صحبت از وقوع یک مخاصمه مسلحانه بین دولت‌های طرف یک اختلاف را نمود که ابزارها و روش‌های به کاررفته از سوی طرفین،

19. Ibid, 372.

20. Knut Dormann, "Applicability of the Additional Protocol to Computer Network Attacks, International Expert Conference on Computer Network Attacks and the Applicability of International Humanitarian Law," Stockholm, (2004): 3, Last Visited 2012/05/10, <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/681g92.htm>.

21. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 373.

22. Ibid, 373.

23. Ibid, 373.

موجب جراحت یا مرگ و یا ورود خسارت به اموال یا انهدام آنها گردد. چنین ابزارها و روش‌هایی را می‌توان مصداقی از مفهوم سلاح تلقی کرده و می‌باید آن را این‌گونه تعریف نمود: «ابزاری که در جهت کشتن، ایجاد جراحت، یا معلول‌سازی افراد و یا ایجاد خسارت به اموال یا انهدام آنها طراحی شده باشد.»^{۲۴}

بنابراین می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که مخاصمه مسلحانه هنگامی روی می‌دهد که هریک از طرفین اختلاف به روش‌ها یا ابزارهایی متوسل شود که باعث ایجاد مرگ، جراحت یا خسارت شده یا دست‌کم هدف از به کارگیری آنها، چنین بوده باشد.^{۲۵}

به عبارت دیگر، در صورت به کارگیری سلاح در جریان بروز اختلاف بین دولت‌ها، می‌توان چنین وضعیتی را مصداقی از یک مخاصمه مسلحانه دانست. البته به شرطی که بتوان این توسل به سلاح را قابل انتساب به دولت و یا دست‌کم افرادی که از جانب آن عمل می‌کنند، محسوب نمود^{۲۶}، همچنین این اعمال به صورت منفرد و جداگانه از هم ارتکاب نیافته باشند.^{۲۷}

در همین چارچوب، وضعیت جنگ اطلاعات نیز جدا از سایر موارد نمی‌باشد. البته شکی نیست که اگر جنگ اطلاعات همراه با سایر تسلیحات سنتی به کار گرفته شود، چنین وضعیتی را می‌بایست مخاصمه مسلحانه تلقی نمود.^{۲۸} در واقع، بحث اصلی در رابطه با امکان وقوع مخاصمه مسلحانه در صورت توسل طرفین به جنگ اطلاعات، زمانی مطرح می‌شود که طرفین یا یکی از آنها صرفاً به جنگ اطلاعات متوسل شده باشند.^{۲۹} به نظر می‌رسد که تنها زمانی می‌توان به کارگیری جنگ اطلاعات را مصداقی از مخاصمه مسلحانه و مشمول اعمال قواعد بشردوستانه تلقی نمود که استفاده از آن موجب بروز جراحت یا مرگ و یا خسارت به اموال شده^{۳۰}، یا اینکه هدف از به کارگیری آن دستیابی به چنین نتایجی بوده باشد.

به عبارت بهتر، تنها حالتی که صرف به کارگیری جنگ اطلاعات را می‌توان مصداقی از یک مخاصمه مسلحانه تلقی و حقوق بشردوستانه را بر آن قابل اجرا محسوب نمود، وضعیتی است که در آن از جنگ اطلاعات به عنوان یک سلاح بر علیه دشمن استفاده شود،^{۳۱} آن چنان

24. Brown, op.cit., 184.

25. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 373.

26. Dormann, op.cit, 3.

27. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 374.

28. Dormann, op.cit., 2.

29. Ibid, 2.

30. Ibid, 3.

31. Brown, op.cit., 184.

که نتیجه حاصله و یا هدف عملیات اختلال، انکار، بی‌ارزش‌سازی یا تخریب اطلاعات ذخیره‌شده در رایانه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای دشمن و یا تخریب خود رایانه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای باشد.^{۳۳}

چنین عملیاتی می‌تواند از دو منظر تهاجمی و تدافعی صورت گیرد. استفاده از جنگ اطلاعات به عنوان سلاحی تهاجمی را می‌توان وضعیتی دانست که در آن از ابزارهای جنگ اطلاعات برای «اجرای عملیات برنامه‌ریزی‌شده نظامی با هدف انهدام توانایی‌های اطلاعاتی - نظامی، ساختارهای اطلاعاتی - صنعتی و همچنین شبکه‌های اطلاعاتی استفاده‌شده در فعالیت‌های اقتصادی - دولتی یا غیرنظامی دولت مورد حمله»، استفاده می‌شود.^{۳۳} در همین راستا، برای به کارگیری جنگ اطلاعات به صورت سلاحی تدافعی نیز می‌توان مشابه همین تعریف را استفاده نمود. با این تفاوت که اقدامات انجام‌شده در این وضعیت، با هدف دفاع در برابر تهاجم دشمن صورت می‌گیرد.^{۳۴}

۲- اجرای اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان در رابطه با جنگ اطلاعات

۲-۱- آشنایی با مفهوم اصل تفکیک

اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان را باید به عنوان سنگ بنایی برای دیگر مقررات حقوق بشردوستانه تلقی نمود.^{۳۵} به موجب این اصل، «حقوق بین‌الملل در مورد افرادی که در مخاصمات مسلحانه شرکت کرده یا به وسیله آن متأثر شده‌اند، میان رزمندگان و غیرنظامیان، تفکیک و تمیزی اساسی قائل می‌شود. این تفکیک تعیین‌کننده جایگاه بین‌المللی این دو دسته در پرتو حقوق بین‌الملل است».^{۳۶}

به عبارت بهتر، اصل تفکیک با قرار دادن افراد در هریک از این دو دسته، وضعیت اولیه حقوقی آنها را در مخاصمات مسلحانه مشخص می‌نماید.^{۳۷} این وضعیت اولیه، از یک سو

32. Ibid, 186.

33. Ibid, 186.

34. Ibid, 186.

35. Sean Watts, "Combatants Status and Computer Network Attack," *Virginia Journal of International Law* 50 (2010): 438.

۳۶. نات ایپسن، «رزمندگان و غیر رزمندگان»، ترجمه کتابون حسین‌نژاد در حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، دیتر فلک، ویراسته سید قاسم زمانی و نادر ساعد (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۷)، ۱۰۱.

۳۷. همان، ۱۰۱.

مشخص‌کننده حمایت‌هایی می‌باشد که به موجب حقوق بشردوستانه در جریان یک مخاصمه مسلحانه به هر فرد تعلق می‌گیرد و از دیگر سو بر وضعیت ثانویه فرد، در صورت تغییر شرایط اولیه وی، تأثیر می‌گذارد. مصداق این حالت زمانی است که فرد به اسارت دشمن در آمده و مسئله اسیر جنگی بودن یا نبودن وی مطرح می‌گردد. در واقع، تمامی رزمندگان در صورت دستگیری مشمول وضعیت اسیر جنگی و در نتیجه حمایت‌های در نظر گرفته در چارچوب آن می‌گردند.^{۳۸}

همچنین وضعیت اولیه فرد، یعنی حق شرکت در مخاصمه، تأثیر مستقیمی نیز بر چگونگی پاسخ‌گویی او در رابطه با اعمال ارتكابی وی در جریان مخاصمه خواهد گذاشت. برای نمونه می‌توان به پیامدهای حقوقی متفاوت مشارکت در مخاصمه مسلحانه، در زمانی که فرد رزمنده محسوب می‌گردد با زمانی که غیرنظامی تلقی می‌شود، اشاره نمود. به عبارت بهتر، امروزه کاملاً پذیرفته شده که رزمندگان را به سبب انجام اعمالی از قبیل کشتن که در جریان نبرد و در مطابقت با حقوق بشردوستانه انجام شده باشد، نمی‌توان مورد تعقیب قرار داد.^{۳۹}

ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی، به عنوان اولین سندی که به طور صریح به اصل تفکیک اشاره نموده، چنین تعریفی را از این اصل ارائه می‌دهد: «به منظور تضمین حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی، طرفین مخاصمه باید در همه زمان‌ها بین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و همچنین بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی تفکیک قائل شده و بر این مبنا عملیات خود را صرفاً متوجه اهداف نظامی نمایند». به موجب آنچه که در این ماده آمده، می‌توان اجزای تشکیل‌دهنده اصل تفکیک را چنین برشمرد: ۱- در جریان مخاصمات مسلحانه طرفین مخاصمه باید در هر زمانی بین رزمندگان و غیرنظامیان تفکیک قائل گردند؛ ۲- عملیات نظامی آنها باید تنها متوجه رزمندگان باشد؛ ۳- هیچ عملیات نظامی مستقیمی نباید بر علیه غیرنظامیان صورت گیرد.^{۴۰} این سه جزء با هم مرتبط بوده و عمل به هر کدام، تضمین‌کننده اجرای دو بخش دیگر می‌باشد.

38. Watts, op.cit., 420.

39. Ibid, 421.

40. Ibid, 420.

به دیگر سخن باید گفت که به موجب اصل تفکیک، در جریان مخاصمات مسلحانه، «فرماندهان نظامی موظف به تمایز قائل شدن بین اهداف غیرنظامی و نظامی بوده و می‌بایست عملیات خود را صرفاً متوجه اهداف نظامی نمایند».^{۴۱}

در حقیقت هدف حقوق بشردوستانه از وضع این قاعده، تضمین حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه و کاهش دادن خسارات ناشی از جنگ بر زندگی ایشان می‌باشد. آن هم بدون آنکه با اعمال چنین حمایت‌هایی، موجب توقف یا ایجاد اختلال در عملیات جنگی هریک از متخاصمین گردد.

۲-۲- اجرای اصل تفکیک و حملات اطلاعاتی

همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد، هدف اصلی حقوق بشردوستانه حمایت از افراد بی‌گناه در برابر خسارات ناشی از مخاصمات مسلحانه می‌باشد و در این میان جنگ اطلاعات نیز چنانچه موجب مرگ، جرح و یا بروز خسارت گردد، مصداقی از یک مخاصمه تلقی و مشمول قواعد بشردوستانه محسوب خواهد شد. همچنین به این نکته هم اشاره شد که اجرای اصل تفکیک، با توجه به تأکید آن بر لزوم جداسازی رزمندگان از غیرنظامیان در جریان مخاصمه، نقشی حیاتی در راستای تحقق اهداف حمایتی حقوق بشردوستانه بر عهده دارد.

از این رو، به نظر می‌رسد که تنها زمانی می‌توان صحبت از اجرای قواعد بشردوستانه در ارتباط با جنگ اطلاعات نمود که از چگونگی اعمال اصل تفکیک در رابطه با جنگ اطلاعات، ابهام‌زدایی صورت گرفته باشد. مسئله‌ای که این بخش از تحقیق حاضر به بررسی آن اختصاص یافته است.

در سطور پیشین گفته شد که اصل تفکیک به صورت صریح در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، مورد اشاره واقع شده است؛ اما ماده ۴۸ تنها ماده از پروتکل اول نیست که به مسئله تفکیک پرداخته و در حقیقت تعداد دیگری از مواد پروتکل هم به منظور روشن کردن مسئله، توسط تدوین‌کنندگان آن به این موضوع اختصاص یافته‌اند.

از جمله این مواد، ماده ۵۱ که به موجب آن در جریان یک مخاصمه، انجام حمله علیه جمعیت غیرنظامی و افراد غیرنظامی منع شده، بند ۱ از ماده ۵۲ که مطابق با آن، «اهداف

41. Avrill McDonald, "The Challenges to International Humanitarian Law and the Principles of Distinction and Protection from the Increased Participation of Civilians in Hostilities," (paper presented at the Round Table of "Intitative on Interplay between International Humanitarian Law and International Human Rights Law, Tehran, Tehran University, April, 2004), 4-5.

غیرنظامی نباید مورد حمله واقع شوند»، بند ۴ از ماده ۵۱ که حملات غیرقابل تبعیض را ممنوع کرده و نهایتاً بند ۲ از ماده ۵۲ که بر اساس آن، «حملات صرفاً باید بر علیه اهداف نظامی محدود گردند»، قابل اشاره هستند.

آنچه که در تمامی این مواد به عنوان تکمیل‌کننده اصل تفکیک مقرر در ماده ۴۸ قابل مشاهده است، تأکیدی است که در همه آنها بر خودداری از حمله به اهداف و افراد غیرنظامی صورت گرفته است. تأکیدی که نشان‌دهنده جایگاه کلیدی واژه «حمله» در چارچوب اصل تفکیک و نقش اساسی آن در تعیین شمول اجرای اصل فوق در رابطه با به کارگیری انواع گوناگون تسلیحات است.

بنابراین به نظر می‌رسد که برای روشن نمودن وضعیت اعمال اصل تفکیک در مورد جنگ اطلاعات نیز ناگزیر از پاسخ‌گویی به این پرسش خواهیم بود که آیا می‌توان جنگ اطلاعات را به عنوان مصداقی از یک حمله، در چارچوب حملات منع‌شده به موجب ماده ۴۸ پروتکل و مواد مکمل آن، دانست یا خیر؟

در مقام ارائه تعریف برای مفهوم حمله، پروتکل خود در ماده ۴۹ چنین تعریفی را مطرح نموده: «حمله به معنای انجام اعمال خشونت‌بار بر علیه دشمن می‌باشد، صرف‌نظر از آنکه در مقام تهاجم یا دفاع صورت گرفته باشد».

چنین تعریفی از مفهوم حمله ممکن است موجب طرح این شبهه گردد که حمله مورد نظر پروتکل، تنها محدود به اعمالی بر علیه دشمن می‌باشد که در آنها از نیروی فیزیکی خشونت‌بار استفاده می‌شود.^{۴۲} بنابراین شاید می‌بایست جنگ اطلاعات را به سبب ماهیت غیرفیزیکی آن، غیرخشونت‌بار محسوب نموده و از شمول حملات منع‌شده در پروتکل خارج نمود.

به نظر می‌رسد که برای رفع این شبهه می‌بایست به همان طریقی عمل نمود که پیشتر در رابطه با مفهوم مخاصمه مسلحانه عمل گردید. در سطور پیشین روشن گردید که هدف حقوق بشردوستانه، حمایت از افراد در برابر خطرات ناشی از مرگ، جرح و یا بروز خسارت به اموال و انهدام آنها می‌باشد. بدیهی خواهد بود که در ارتباط با اصل تفکیک به عنوان یکی از اصول بنیادین بشردوستانه هم می‌بایست قائل به همان هدفی شویم که برای حقوق بشردوستانه در کلیت آن قائل می‌باشیم. نتیجه اینکه هدف مواد مرتبط با اصل تفکیک در

پروتکل الحاقی نیز چیزی جز حمایت از افراد در برابر آسیب‌های ناشی از نبرد نمی‌تواند باشد.^{۴۳}

در همین راستا بهتر آن است که خشونت مقرر در ماده ۴۹ را با توجه به همین رهیافت نتیجه‌محور، به معنای هر عملی دانست که صرف‌نظر از ماهیت فیزیکی یا غیرفیزیکی آن، به نتایجی همچون حادث شدن جرح، فوت یا خسارت منتهی خواهد شد تا اینکه آن را صرفاً محدود به آن دسته اعمال فیزیکی نمود که خشونت‌بار تلقی می‌شوند.^{۴۴}

بنابراین در ارتباط با جنگ اطلاعات نیز در صورتی که چنین عملیاتی منجر به بروز جراحت یا فوت افراد و یا وارد آمدن خسارت کلی یا جزئی بر اموال گردد، می‌بایست آن را به عنوان خشونت، نوعی از حمله تلقی و مشمول ممنوعیت‌های مقرر در اصل تفکیک نمود.^{۴۵} حال که امکان صدق وضعیت حمله بر مواردی از جنگ اطلاعات احراز گردیده، می‌بایست به این پرسش پاسخ داده شود که در چارچوب چنین حمله‌ای، چه اهدافی قابل حمله و چه اهدافی ممنوع از حمله می‌باشند.

الف - رزمندگان^{۴۶} و اهداف نظامی

رزمندگان و اهداف نظامی بنا به ماهیت خود اهداف مشروع محسوب شده و در صورتی که در ابزارها و روش‌های به کاررفته بر علیه آنها، محدودیت‌های مقرر در حقوق بشردوستانه رعایت گردیده باشد، می‌توانند به صورت مستقیم هدف حمله واقع شوند.^{۴۷}

در رابطه با تعریف مفهوم «رزمنده»، می‌توان به تعریف ارائه‌شده از آن در پروتکل اول الحاقی استناد نمود. به موجب بند دو از ماده ۴۳ این پروتکل، «... نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه (به غیر از پرسنل پزشکی و مذهبی که تحت پوشش ماده ۳۳ کنوانسیون سوم ژنو هستند)، رزمنده تلقی می‌شوند و به عبارت بهتر از حق مشارکت مستقیم در مخاصمات برخوردارند.»

در واقع، رزمندگان را باید کسانی دانست که «می‌توانند در محدوده مقرر در حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، مبارزه کنند».^{۴۸}

43. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 377.

44. Ibid, 377.

45. Ibid, 377.

46. Combatants

47. Ibid, 379.

البته این حق رزمنده برای جنگیدن را نباید حقی فردی تلقی نمود، زیرا منشأ آن مرتبط بودن فرد رزمنده با یکی از ارگان‌های طرف مخاصمه که خود از تابعان حقوق بین‌الملل است، می‌باشد.^{۴۹}

تعریف ارائه‌شده از واژه رزمنده در متن ماده ۴۳، بسیار روشن می‌باشد. این ماده در مقام تعریف مفهوم رزمنده، اعضای نیروهای مسلح طرفین مخاصمه، به استثنای کارکنان پزشکی و مذهبی را رزمنده محسوب کرده است و در همین راستا، بند یک از همین ماده، نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه را شامل همه نیروهای مسلح سازمان‌یافته، دسته‌ها و واحدهای آن و همچنین آن گروه از دسته‌های چریکی و داوطلبی که در نیروهای مسلح تلفیق شده‌اند، اعلام می‌دارد.^{۵۰} در همین راستا، در بند ۱ از ماده ۴۳ نیز دو شرط معیار، برای شناسایی گروه‌های مسلح به عنوان نیروی مسلح یکی از طرفین مخاصمه، مطرح شده است.

بر مبنای این بند، نیروهای مسلح هر یک از طرفین مخاصمه باید: الف - تحت فرماندهی مقام مسؤلی باشند که در برابر آن طرف مخاصمه به علت اقدامات افراد تحت امر خویش مسؤول قلمداد گردد؛ ب - تابع یک نظام انضباطی داخلی بوده که در مطابقت با قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه تنظیم گردیده باشد.^{۵۱} در واقع این شروط را باید تضمین‌کننده رعایت حقوق بشردوستانه از جانب طرف مخاصمه‌ای دانست که نیروهای آن واجد وصف نیروی مسلح می‌گردند.^{۵۲}

بند دوم از ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی این‌گونه هدف نظامی را تعریف می‌نماید: «حملات صرفاً باید به اهداف نظامی محدود گردد ... اهداف نظامی، اهدافی هستند که بنا به ماهیت، موقعیت مکانی، هدف و یا کاربردشان نقش مؤثری در عملیات نظامی داشته و نابودی کلی یا جزئی، تصرف یا خنثی‌سازی آنها در همان زمان، منافع قطعی نظامی به دنبال دارد».

۴۹. همان، ۱۰۴.

۵۰. همان، ۱۰۷.

۵۱. «نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه از همه نیروهای مسلح گروه‌ها و واحدهایی که تحت یک فرماندهی پاسخگو در برابر آن طرف در رابطه با اعمال زبردستان می‌باشد تشکیل می‌شود، حتی اگر آن طرف نماینده دولت یا مقامی باشد که توسط یک طرف مخاصمه شناسایی نشده باشد. چنین نیروهای مسلحی باید تابع یک سیستم انضباطی داخلی باشند که در مطابقت با حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، عمل کند».

Protocol Additional to Geneva Conventions of August 12, 1949, Article 43, Para. 1.
52. Watts, op.cit., 418.

بر طبق این تعریف، به نظر می‌رسد که پروتکل الحاقی اول برای نظامی دانستن یک هدف قائل به وجود دو شرط گردیده است.

۱. **داشتن نقش مؤثر هدف در عملیات نظامی طرف متخاصم:** یعنی یک هدف در صورتی نظامی محسوب خواهد شد که به سبب ماهیت خود یا مکانی که در آن قرار گرفته، هدفی که از ایجاد آن مطرح بوده و یا نوع استفاده‌ای که از آن می‌شده، به صورت مؤثری بر عملیات نظامی دشمن تأثیرگذار محسوب گردد. این تأکید بر مؤثر بودن نقش هدف در عملیات نظامی دشمن، نشان‌دهنده مستثنا بودن اهداف دارای نقش غیرمستقیم در عملیات نظامی دشمن، از حوزه شمول مفهوم هدف نظامی می‌باشد؛^{۵۳}

۲. **وجود منافع قطعی نظامی در از بین بردن، تصرف یا خنثی‌سازی هدف:** هدف باید دارای آن‌چنان نقش مؤثری در عملیات نظامی دشمن باشد که با انهدام کلی یا جزئی، تصرف و یا خنثی‌سازی آن، بتوان به صورت قطعی ضربه مؤثری به دشمن وارد نمود. تأکید بر قطعی بودن مزایای نظامی مورد انتظار، نشانگر آن است که اهدافی که حمله نظامی به آنها صرفاً اثری مقطعی و احتمالی بر عملکرد دشمن داشته باشد را نمی‌توان هدف نظامی محسوب گردانید.^{۵۴}

همان‌گونه که در سطور پیشین مورد بررسی قرار گرفت، رزمندگان تنها افرادی می‌باشند که در جریان یک مخاصمه، حق شرکت در مخاصمه را دارا می‌باشند. برخورداری از چنین وضعیتی صرف‌نظر از آنکه به وجودآورنده پاره‌ای امتیازات برای ایشان می‌باشد، از قبیل دارا شدن عنوان اسیر جنگی در صورت دستگیری توسط دشمن و یا عدم تعقیب به سبب اعمال ارتكابی در مخاصمه، عواقب دیگری را نیز برای فرد رزمنده به بار خواهد آورد. به عبارت بهتر، دارا شدن عنوان رزمنده، فرد را از دید حقوق بشردوستانه به هدفی مشروع تبدیل نموده و حمله به وی را در صورت استفاده از روش‌ها و ابزارهای غیرممنوعه، مجاز خواهد گردانید. حمله اطلاعاتی نیز به عنوان یکی از سلاح‌های به کاررفته در مخاصمات نوین از این قاعده مستثنا نبوده و می‌توان از آن برای حمله به رزمندگان استفاده نمود. به عنوان مثال، از

53. Macro Sussoli, "Legitimate Targets of Attacks under International Humanitarian Law," (paper presented at the meeting on The Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law, The Program on Humanitarian Policy and Conflict Research In Harvard University, Cambridge, UK, January 27, 2003).

54. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 380.

منظر حقوق بشردوستانه اینکه از حمله اطلاعاتی برای اختلال در سیستم کنترل ترافیک هوایی دشمن استفاده شده تا با فرستادن اطلاعات ناوبری اشتباه، موجبات سقوط هواپیمای ترابری حامل سربازان دشمن را فراهم کند، امری مشروع و مجاز می‌باشد.^{۵۵}

در ارتباط با اهداف نظامی هم این مسئله که با به کارگیری حمله اطلاعاتی بتوان آن دسته از تجهیزات و تأسیسات مورد استفاده دشمن که اهداف نظامی محسوب می‌شوند را مورد حمله قرار داد، امری مجاز تلقی می‌گردد.^{۵۶} مصداق این مسئله زمانی است که از حمله اطلاعاتی به منظور از کار انداختن ایستگاه‌های پدافند هوایی دشمن که مزیت نظامی قطعی به دنبال خواهد داشت، استفاده گردد.^{۵۷}

در حقیقت، از منظر حقوق بشردوستانه به صورت اعم و اصل تفکیک به صورت اخص، تعریف اهداف نظامی فارغ از ابزارهای به کاررفته در محاصره بوده و از این منظر بین سلاح‌های سنتی و سلاح‌هایی نظیر جنگ اطلاعات تفاوتی نمی‌باشد.^{۵۸}

ب - غیرنظامیان^{۵۹} و اهداف غیرنظامی

در مقررات بشردوستانه پیش از پروتکل اول الحاقی، تعریفی از واژه غیرنظامی ارائه نشده است؛ بنابراین پروتکل اول الحاقی را باید نخستین سند بین‌المللی دانست که به ارائه تعریفی از واژه غیرنظامی مبادرت نموده است. بند یکم از ماده ۵۰ این پروتکل، این چنین واژه غیرنظامی را تعریف نموده: «غیرنظامی کسی است که به هیچ‌یک از گروه‌های ذکر شده در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۶ از ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو و همچنین ماده ۴۳ پروتکل حاضر تعلق نداشته باشد».

تعریف ارائه شده در پروتکل را باید نوعی تعریف منفی تلقی نمود که بر اساس آن، غیرنظامیان کسانی هستند که مشمول هیچ‌یک از دیگر گروه‌های تعریف شده در اسناد بشردوستانه نمی‌گردند.^{۶۰} به عبارت بهتر، از منظر تدوین کنندگان پروتکل، کلیه افراد غیرعضو در نیروهای مسلح رسمی یک طرف محاصره یا واحدهای شبه‌نظامی و داوطلب وابسته به این نیروها و یا سایر واحدهای شبه‌نظامی یا داوطلبی که به طرفیت از یک طرف محاصره با

55. Ibid, 380.

56. Jeffrey T.G. Kelsey, "Hacking into International Humanitarian Law: The Principles of Distinction and Neutrality in the Age of Cyber Warfare," *Michigan Law Review* 106 (2008): 1438.

57. Ibid, 1438.

58. Dormann, op.cit., 5-6.

59. Civilians.

60. Watts, op.cit., 415.

رعایت شرایط مقرر در بند دو از ماده ۴، در خارج از قلمرو خود به عملیات نظامی مبادرت می‌کنند، غیرنظامی محسوب خواهند شد. همچنین افراد غیرعضو در هسته‌های مقاومت خودجوش شکل گرفته توسط ساکنان سرزمین‌های اشغال‌نشده در هنگام عملیات نیروهای دشمن برای اشغال این سرزمین‌ها نیز به عنوان غیرنظامی در نظر گرفته خواهند شد. به دیگر سخن، از منظر این ماده «هرکس که رزمنده نیست، باید غیرنظامی فرض شود».^{۶۱}

البته در صورت وجود تردید در غیرنظامی یا رزمنده بودن فرد، اصل بر غیرنظامی بودن وی خواهد بود.^{۶۲}

کاربرد اصلی اعطای وضعیت غیرنظامی برای افراد دارای چنین عنوانی، حقوق حمایتی ویژه‌ای است که این عنوان برای ایشان به ارمغان خواهد آورد. غیرنظامیان به موجب بند دو از ماده ۵۱ پروتکل، دارای مصونیت از هر نوع حمله‌ای می‌باشند.

در حقوق بشردوستانه تاکنون از هدف غیرنظامی تعریفی ارائه نشده است؛ بنابراین، منطقی‌تر آن است که هر هدفی را که نتوان بر مبنای شرایط مقرر در بند دوم از ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی هدف نظامی تلقی نمود، هدف غیرنظامی محسوب کرد.

در همین راستا، می‌توان به بند سوم از ماده ۵۲ نیز اشاره کرد که در آن پاره‌ای از مصادیق اهداف غیرنظامی، از قبیل «مکان‌های عبادت، منزل مسکونی یا دیگر اماکن مسکونی یا مدرسه»، ذکر شده و در قسمت دیگری از آن مقرر شده: «در موارد تردید در مورد هدفی که به طور معمول به کاربردهای غیرنظامی اختصاص یافته است ...، در رابطه با اینکه مورد استفاده مؤثر در عملیات نظامی قرار گرفته یا خیر، فرض بر آن خواهد بود که چنین استفاده‌ای صورت نگرفته است».

گفته شد که غیرنظامی از منظر قواعد بشردوستانه، هر فردی می‌باشد که در ردیف رزمندگان قرار نمی‌گیرد. همچنین به این مسئله نیز اشاره شد که حائز گردیدن عنوان غیرنظامی، موجب مصونیت فرد از هرگونه حمله‌ای خواهد گردید.^{۶۳} اهداف غیرنظامی نیز مورد حمایت ویژه می‌باشند، چراکه بر اساس ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی، در رابطه با اهداف غیرنظامی هم هرگونه حمله یا عمل تلافی‌جویانه‌ای منع شده است.

61. Mc Donald, op.cit., 8.

62. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 382.

63. Watts, op.cit., 420.

قواعد حمایتی دیگری نیز این مصونیت از حمله را در مورد غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی تکمیل می‌نماید. به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۵۶ پروتکل اول اشاره نمود که به موجب آن «تأسیساتی که دربردارنده نیروهای خطرناک می‌باشند، مانند سدها، سیل بندها و نیروگاه‌های برق هسته‌ای، در صورتی که حمله به آنها موجب آزاد شدن این نیروها و تلفات شدید در بین غیرنظامیان گردد، مصون از هرگونه حمله می‌باشند، حتی اگر چنین اهدافی را بتوان در زمره اهداف نظامی محسوب نمود.»

بند دوم از ماده ۵۴ پروتکل نیز هرگونه حمله، انهدام، پاکسازی یا بی‌استفاده‌سازی اهدافی از قبیل محصولات کشاورزی، مواد غذایی، چهارپایان اهلی و یا آب آشامیدنی که برای بقای یک جمعیت غیرنظامی حیاتی تلقی می‌شوند را ممنوع اعلام می‌دارد. در واقع ماهیت حیاتی چنین اهدافی برای بقای غیرنظامیان، مانع از هرگونه حمله به آنها حتی در صورتی که به صورت هم‌زمان مورد استفاده نظامی نیز قرار داشته باشند، خواهد گردید.^{۶۴}

همچنین می‌بایست ماده ۵۵ پروتکل را مدنظر قرار داد که مقرر می‌دارد: «به هنگام به کارگیری یک جنگ‌افزار اتخاذ اقدامات احتیاطی به منظور حفاظت از محیط زیست طبیعی در برابر خسارت گسترده، طولانی و شدید ضروری می‌باشد. این حفاظت‌ها، ممنوع شدن به کارگیری هرگونه روش یا ابزاری که هدف از به کارگیری آن، وارد آوردن خسارت به محیط زیست طبیعی و در نتیجه در خطر انداختن سلامتی یا بقای جمعیت (غیرنظامی) بوده باشد و یا بتوان چنین عواقبی را از به کارگیری آن انتظار داشت، شامل می‌گردد.»

در نهایت باید مجدداً به ممنوعیت مقرر در ماده ۵۱ در باب انجام حملات تفکیک‌ناپذیری که می‌توانند مسبب مرگ یا جرح و یا ورود خسارت به غیرنظامیان و یا ترکیبی از چنین نتایجی گردند، آن هم در صورتی که میزان خسارت مذکور بسیار بیش از مزیت نظامی مستقیم مورد انتظار از حمله باشد، اشاره کرد.

این قواعد حمایت‌کننده از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در مورد جنگ اطلاعات نیز به مانند سایر ابزارها و روش‌های به کاررفته در مخاصمات مسلحانه قابل اجرا و لازم‌الرعایه می‌باشند.

به عبارت بهتر، در صورتی که جنگ اطلاعات موجب نتایج خشونت‌باری از قبیل مرگ، جرح یا بروز خسارت گردد، به علت آنکه مصداقی از حملات مورد نظر در چارچوب اصل

64. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 386.

تفکیک محسوب خواهد شد، توسل به آن صرفاً بر علیه رزمندگان و اهداف نظامی مجاز بوده و استفاده از آن علیه جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی ممنوع خواهد بود.^{۶۵}

روی دیگر این نتیجه‌گیری آن خواهد بود که در صورتی که جنگ اطلاعات فاقد نتایج فوق‌الذکر بوده باشد، به سبب عدم امکان اطلاق عنوان حمله بر آن در چارچوب مورد نظر اصل تفکیک، استفاده از آن خارج از شمول مقررات مرتبط با اصل تفکیک بوده و در صورت ممنوع نشدن به موجب دیگر قواعد بشردوستانه، امکان به کارگیری آزادانه آن بر علیه اهداف و جمعیت‌های غیرنظامی وجود خواهد داشت.^{۶۶}

به عنوان نمونه، اگر در جریان جنگ کوزوو، ناتو به جای حمله با سلاح‌های کلاسیک به تأسیسات تلویزیون دولتی صربستان که مطابق با معیارهای بشردوستانه هدف نظامی محسوب نمی‌گردید، آن را با آن دسته از ابزارهای جنگ اطلاعات که صرفاً بدون ایجاد خسارات مالی یا جانی موجب اختلال در کاربرد تأسیسات می‌گردیدند، هدف قرار می‌داد، بسیاری از اعتراضات بعدی در مورد هدف قرار دادن یک هدف غیرنظامی و در نتیجه نقض حقوق بشردوستانه توسط ناتو، محلی از اعراب پیدا نمی‌نمود.^{۶۷} ضرورت اعمال اصل تفکیک بر حمله اطلاعاتی، در ارتباط با سایر قواعد مکمل اصل تفکیک نیز مصداق دارد.

در رابطه با ممنوعیت اتخاذ شده در حمله به اهداف دربردارنده نیروهای خطرناک، به کارگیری حمله اطلاعاتی در مورد چنین اهدافی، در صورتی که موجب آزاد گشتن نیروهای مخرب فوق‌الذکر گردد، مشمول همان ممنوعیت اعمال شده در مورد سایر تسلیحات شده و در نتیجه نمی‌بایست با توسل به آن به چنین اهدافی حمله نمود.^{۶۸}

البته به نظر می‌رسد که حداقل در پاره‌ای از موارد به کارگیری حمله اطلاعاتی در قیاس با سایر تسلیحات بتواند احتمال آزاد شدن چنین نیروهایی را در صورت انجام حمله کاهش دهد.^{۶۹} به عنوان نمونه، احتمال رهاسازی نیروهای مخرب، در صورت حمله به تأسیسات یک سد توسط حمله اطلاعاتی که موجب از کار افتادن تأسیسات کنترل سد شود، بسیار کمتر از زمانی خواهد بود که چنین حمله‌ای با سلاح‌های سنتی صورت گرفته و موجب انهدام فیزیکی بخش‌هایی از سد و جاری شدن سیل گردد.

65. Ibid, 378.

66. Ibid, 378.

67. Kelsey, op.cit., 1439-1440.

68. Dormann, op.cit., 7.

69. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 385.

همچنین در ارتباط با ممنوعیت مقرر در ماده ۵۴ در مورد ممنوعیت حمله به اهداف دارای کاربرد حیاتی برای بقای جمعیت‌های غیرنظامی، به نظر می‌رسد که حمله به این اهداف از طریق توسل به حمله اطلاعاتی هم امکان‌پذیر بوده و در نتیجه استفاده از حمله اطلاعاتی نیز در صورت تخریب اهداف فوق‌الذکر، مشمول ممنوعیت مقرر در ماده ۵۴ خواهد بود.^{۷۰}

نمونه چنین وضعیتی زمانی است که با به کارگیری ابزارهای جنگ اطلاعات بتوان با دادن اطلاعات غلط به سیستم‌های رایانه‌ای کنترل تأسیسات تصفیه‌کننده آب در رابطه با میزان مواد شیمیایی مورد نیاز در چرخه تصفیه آب آشامیدنی، حجم عظیمی از آب آشامیدنی یک منطقه را آلوده نمود.^{۷۱}

در مورد خسارت وارد شده بر محیط زیست نیز جنگ اطلاعات به همان میزان استفاده از سایر جنگ‌افزارهای کلاسیک، می‌تواند موجبات وارد آمدن خسارات گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست را فراهم آورد که در این صورت می‌بایست در فهرست حملات ممنوعه‌ای قرار گیرد که در ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی لحاظ گردیده است. به عنوان مثال، استفاده از حملات اطلاعاتی برای از کاراندازی سیستم‌های کنترل تأسیساتی همچون صنایع شیمیایی و یا مخازن نگاه‌دارنده مواد سوختی، می‌تواند موجب آزاد شدن حجم عظیمی از مواد شیمیایی یا مواد سوختی شده و خسارات شدیدی را به محیط زیست وارد نماید.^{۷۲}

گذشته از موارد فوق‌الذکر، نهایتاً می‌بایست به مسئله ممنوعیت حملات غیرقابل تبعیض و وضعیت آن در قبال حمله اطلاعاتی اشاره نمود. در واقع، بر اساس آنچه که تاکنون در رابطه با عملکرد و قابلیت‌های جنگ اطلاعات مورد اشاره واقع گردیده، این‌گونه به نظر می‌آید که جنگ اطلاعات می‌تواند به عنوان چالشی جدی در راه اعمال ممنوعیت‌های اعمال‌شده برای جلوگیری از وقوع چنین حملاتی مطرح گردد.^{۷۳}

تبعیض‌ناپذیری مقرر در حملات منع‌شده در ماده ۵۱ را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. در پاره‌ای موارد این ماهیت و ساختار خود سلاح می‌باشد که اساساً اجازه و امکان هدایت صحیح سلاح مربوطه را بر علیه یک هدف معین فراهم نمی‌کند.^{۷۴}

70. Dormann, op.cit., 7.

71. Ibid.

72. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 386.

73. Dormann, op.cit., 5.

74. Ibid, 5.

در حالی که در مواردی دیگر، این عدم امکان تبعیض بین اهداف نظامی و غیرنظامی، نه به سبب ماهیت و ساختار سلاح، بلکه به علت عدم امکان کنترل و پیش‌بینی اثرات ناشی از توسل به سلاح مربوطه در زمان حمله به یک هدف نظامی معین می‌باشد.^{۷۵}

از منظر نخست، حمله اطلاعاتی را نمی‌توان تفکیک‌ناپذیر تلقی نمود.^{۷۶} به عبارت بهتر، یکی از ویژگی‌های حملات اطلاعاتی این است که به خوبی می‌توان آنها را علیه یک هدف خاص یا یک سیستم اطلاعاتی معین، هدف‌گیری نموده و اجرا نمود.^{۷۷}

در واقع، آنچه که می‌تواند جنگ اطلاعات را به سلاحی غیرقابل تبعیض و ممنوعه تبدیل نماید، اثرات ناشی از به کارگیری آن می‌باشد که به هدف نظامی مورد حمله منحصر نشده و به راحتی می‌تواند از یک سیستم اطلاعاتی نظامی که هدف حمله بوده به دیگر سیستم‌های اطلاعاتی که غیرنظامی و مصون از حمله محسوب می‌گردند، منتقل گردد.^{۷۸} به عنوان مثال می‌توان به ویروس‌های رایانه‌ای اشاره نمود که دارای این توانایی هستند که حتی اگر صرفاً برای نفوذ به سیستم‌های نظامی و آلوده کردن آنها استفاده شده باشند، به سرعت وارد سیستم‌های غیرنظامی طرف مقابل هم شده و آنها را نیز آلوده نمایند.^{۷۹}

واقعیتی که حاکی از بهم‌پیوستگی شدید سیستم‌های اطلاعاتی نظامی و سیستم‌های اطلاعاتی غیرنظامی در جهان امروز می‌باشد.^{۸۰}

ج - اهداف با کاربرد دوگانه^{۸۱}

اهداف با کاربرد دوگانه، اهدافی هستند که هم در مقاصد نظامی و هم در مقاصد غیرنظامی دارای کاربرد می‌باشند.^{۸۲} از جمله چنین اهدافی می‌توان به زیرساخت‌های مخابراتی و حمل‌ونقل غیرنظامی که در دوران جنگ مورد استفاده نیروهای نظامی قرار می‌گیرند، اشاره نمود. همچنین نیروگاه‌های تولید برق که در یک مخاصمه مسلحانه، به صورت هم‌زمان به تولید انرژی الکتریسیته مورد نیاز برای غیرنظامیان و صنایع تولید جنگ‌افزار می‌پردازند را هم می‌بایست از مصادیق این هدف‌های با کاربرد دوگانه تلقی نمود.^{۸۳}

75. Ibid, 5.

76. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 389.

77. Ibid, 389.

78. Ibid, 389.

79. Dormann, op.cit., 5.

80. Ibid.

81. Dual Use Objects.

82. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 384.

83. Sussoli, op.cit., 7.

وضعیت ویژه این هدف‌ها، موجب طرح این پرسش گردیده که آیا به هنگام بروز یک مخاصمه مسلحانه، می‌توان چنین هدف‌هایی را که هم‌زمان در مقاصد نظامی و غیرنظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مورد حمله قرار داد؟

در مقام پاسخ به چنین پرسشی، به نظر می‌آید که باید این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که هرگاه هدفی با چنین قابلیت‌های دوگانه‌ای مورد استفاده نظامی قرار گیرد، هدفی نظامی محسوب می‌شود حتی اگر این استفاده نظامی، از منظر اهمیت در درجه دوم در رابطه با کارکرد آن قرار گرفته باشد.^{۸۴}

همچنین اگر در جریان یک مخاصمه مسلحانه، در ارتباط با هدفی به صورت معقول بتوان احتمال استفاده نظامی را مطرح نمود، آن هدف نیز هدفی نظامی محسوب خواهد شد، حتی اگر تا آن زمان صرفاً مورد استفاده برای مقاصد غیرنظامی بوده باشد.^{۸۵}

در همین راستا و در چارچوب بحث اهداف دارای کارکرد دوگانه، ضروری است تا به اصل تناسب نیز به عنوان یکی دیگر از اصول مکمل اصل تفکیک اشاره نمود.

در پروتکل اول الحاقی، در بند دوم از ماده ۵۷ و در اشاره به اصل تناسب چنین آمده است: «یک حمله باید متوقف شده یا به حالت تعلیق درآید، اگر آشکار شود ... که آن حمله موجب از دست رفتن جان غیرنظامیان یا زخمی شدن ایشان، آسیب به اموال آنها و یا ترکیبی از همه این موارد به گونه‌ای گردد که در ارتباط با مزایای نظامی مستقیم و غیرمستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه تلقی شود».

در حقیقت اصل تناسب را باید تلاشی دانست که در جهت برقراری تعادل بین دو مسئله کاملاً متفاوت، یعنی دستیابی به مزیت نظامی از یک سو و کاهش خسارات وارده جانی و مالی به غیرنظامیان از سوی دیگر صورت می‌گیرد،^{۸۶} آن هم به صورتی که تلاش برای دستیابی به هرکدام موجب خدشه به دیگری نگردد.

اصل تناسب با اصل دیگری که از آن با عنوان اصل احتیاط یاد می‌گردد، توأمان می‌باشد. به موجب این اصل که به نوعی مکمل برای اصل تناسب محسوب شده و در ماده ۵۷ پروتکل در کنار اصل مذکور مورد اشاره واقع گردیده، طرف حمله‌کننده در صورت انجام حمله بر علیه یک هدف، علاوه بر رعایت اصل تناسب، می‌بایست اقدامات مضاعفی را نیز به منظور

84. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 384.

85. Ibid, 385.

86. Ibid, 391.

اولویت دادن به استفاده از آن دسته از روش‌ها و ابزارهایی که در قیاس با دیگر جنگ‌افزارها می‌توانند تلفات وارده بر غیرنظامیان را به حداقل رسانند، اتخاذ نماید.

اما کاربرد مهم اصل تناسب را می‌توان در بحث اهداف با کاربرد دوگانه مشاهده نمود؛ یعنی جایی که با اهدافی سر و کار داریم که از سویی مورد استفاده نظامی بوده و حمله به آنها می‌تواند مزایای نظامی قابل توجهی در پی داشته باشد، حال آنکه از سوی دیگر مورد استفاده غیرنظامیان نیز بوده و بروز هرگونه حمله‌ای علیه آنها ورود خسارت جانی یا مالی به غیرنظامیان را هم دربر خواهد داشت.

در همین چارچوب و در راستای اعمال اصل تناسب، اگر بر اثر حمله به این‌گونه اهداف دارای کاربری دوگانه، آثاری چنان منفی بر کاربرد غیرنظامی هدف مذکور وارد گردد که بتوان آن را به نسبت مزیت نظامی به دست آمده زیاده از حد دانست، می‌بایست چنین حمله‌ای را به علت عدم رعایت اصل تناسب نامشروع محسوب کرده و از ارتکاب آن خودداری نمود.^{۸۷}

مسئله وارد شدن خسارات تبعی به غیرنظامیان در صورت حمله به اهداف دارای کارکرد دوگانه، به هنگام استفاده از حملات اطلاعاتی بر علیه چنین اهدافی نیز به خوبی قابل مطرح شدن می‌باشد.^{۸۸}

در واقع، در حالتی که جنگ اطلاعات با نیت ایجاد جرح، مرگ، یا تخریب علیه اهداف دارای کاربرد دوگانه استفاده شده و یا به صورت عملی چنین نتایجی را به دنبال داشته باشد، این احتمال که به دلیل خسارت دیدن هدف مذکور بر کارکردهای غیرنظامی هدف نیز آسیب وارد آید، امری بسیار محتمل خواهد بود. واقعیتی که علت آن را می‌بایست در ماهیت بهم‌پیوسته کارکردهای نظامی و غیرنظامی بسیاری از شبکه‌های اطلاعاتی جستجو نمود.^{۸۹} به عنوان نمونه می‌توان به وزارت دفاع آمریکا اشاره نمود که ۹۵٪ از فعالیت‌های ارتباطی خود را از طریق همان شبکه‌های اطلاعاتی انجام می‌دهد که مورد استفاده کاربران غیرنظامی نیز می‌باشند.^{۹۰} بدیهی است که هرگونه حمله به این شبکه‌ها که با هدف اختلال در عملکرد سیستم‌های وزارت دفاع انجام شود، می‌تواند عواقبی شدید را هم برای کاربران غیرنظامی به همراه داشته باشد.

87. Sussoli, op.cit., 7.

88. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 391.

89. Ibid, 393.

90. Kelsey, op.cit., 1432.

اما شایسته است تا به کارگیری جنگ اطلاعات در حمله به اهداف دارای کاربرد دوگانه را به دید یک فرصت در راستای تسهیل رعایت اصول تناسب و احتیاط هم نگریست. در واقع، به علت ماهیت غیرفیزیکی جنگ اطلاعات و در نتیجه قابلیت بهتر آن در جلوگیری از ورود تلفات به غیرنظامیان و یا دست‌کم کاهش دادن میزان چنین تلفاتی، در بسیاری مواقع توسل به آن می‌تواند بدون نقض اصول تناسب و احتیاط، امکان حمله به اهداف دارای کاربرد دوگانه فراهم نماید. این در حالی است که استفاده از تسلیحات کلاسیک در بسیاری از این موارد، به سبب عدم امکان رعایت اصول فوق‌الذکر، ممنوعه محسوب خواهد شد.^{۹۱}

۲-۳- جنگ اطلاعات و مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

بر مبنای آنچه تا به اینجا مورد بحث قرار گرفت، به نظر می‌رسد که از منظر قواعد بشردوستانه در جریان هر مخاصمه مسلحانه‌ای باید افراد را به دو گروه جداگانه تقسیم نمود. دسته اول رزمندگان بوده که تنها گروهی هستند که دارای حق مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه تلقی شده و به تبع آن، هدف قرار دادن ایشان در چارچوب مخاصمه نیز مجاز خواهد بود. دسته دیگر غیرنظامیان هستند که فاقد حق مشارکت مستقیم در مخاصمه بوده و می‌بایست از هر حمله‌ای هم مصون تلقی گردند.

در واقع، بر مبنای این طبقه‌بندی، باید فرض را بر آن قرار داد که جنگ امری مربوط به رزمندگان بوده و اساساً غیرنظامیان را چندان کاری با آن نیست و بنابراین از خطرات آن نیز می‌بایست محافظت گردند.

اما واقعیات جنگ، همواره با چنین فرضی مطابقت نمی‌نمایند. تجربه مخاصمات گوناگون ثابت کرده که در پی بروز هر مخاصمه‌ای، هستند غیرنظامیانی که بدون داخل شدن در جرگه رزمندگان و با حفظ وضعیت غیرنظامی خویش دست به اسلحه برده و بر علیه یکی از طرفین متخاصم، در مخاصمه دخالت مستقیم می‌نمایند.

این مسئله از دید تدوین‌کنندگان اسناد بشردوستانه نیز پنهان نمانده و سبب‌ساز شکل‌گیری مبثی در چارچوب بحث‌های بشردوستانه شده که از آن با عنوان «مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه»، یاد می‌گردد.

این مسئله اولین بار توسط دادگاه گروگان‌گیری و در راستای رسیدگی به جنایات جنگی مقامات آلمانی در جنگ دوم جهانی، این‌گونه مورد شناسایی قرار گرفته است: «این قاعده که

91. Dormann, op.cit., 6.

غیرنظامیان کمک‌کننده، معاونت‌دهنده و یا مشارکت‌کننده در مخاصمات مستحق مجازات هستند، مورد پذیرش حقوق جنگ می‌باشد، جنگیدن تنها برای پرسنل رزمنده یک کشور مجاز است، تنها این گروه هستند که در صورت تسلیم یا دستگیری از استحقاق رفتار شدن به عنوان اسیر جنگی و بری بودن از هر مسؤولیتی برخوردار می‌باشند.^{۹۲}

پس از آن، در سایر اسناد حقوق بشردوستانه نیز به بحث مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات اشاره شده است. در این رابطه باید به عبارت، «اشخاصی که نقش فعالی در مخاصمات ندارند» در ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و آنچه که در بند ۳ از ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول، تحت عنوان «مشارکت مستقیم در مخاصمات» آورده شده است، اشاره نمود.

به موجب این بند، غیرنظامیان همواره می‌بایست از هرگونه حمله‌ای در امان باشند، مگر در صورت مشارکت مستقیم ایشان در مخاصمه که منجر به از بین رفتن مصونیت ایشان در برابر حمله و در طول مدتی که به مشارکت مستقیم مبادرت می‌کنند، می‌گردد.

به عبارت بهتر، از منظر حقوق بشردوستانه، مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه مسلحانه علی‌رغم آنکه موجب تغییر هویت وی از غیرنظامی به رزمنده نمی‌شود، منجر به از بین رفتن مصونیت وی از حمله خواهد شد. آن هم در شرایطی که هیچ‌کدام از حمایت‌های مقرر برای رزمندگان، از قبیل دارا شدن وضعیت اسیر جنگی در صورت دستگیری و یا عدم تعقیب کیفری برای ارتکاب اعمال غیرممنوعه در زمان نبرد نیز شامل حال وی نخواهد گردید.

مسئله مشارکت مستقیم غیرنظامیان در چارچوب حملات اطلاعاتی نیز قابل مطرح شدن می‌باشد و حمله اطلاعاتی را به درستی باید در ردیف جنگ‌افزارهایی قرار داد که موجب باز شدن پای غیرنظامیان به مخاصمات مسلحانه می‌گردند.^{۹۳} در واقع، ماهیت خاص حمله اطلاعاتی سبب گردیده تا اساساً در بسیاری موارد، توسل به آن از رهگذر مشارکت غیرنظامیان صورت پذیرد، چراکه در بیشتر مواقع این غیرنظامیان هستند که مسؤولیت اجرای

92. Michael N. Schmitt, "Direct Participation in Hostilities and 21st Century Armed Conflict," in *Crisis Management and Humanitarian Protection: Festschrift für Dieter Fleck*, ed. Horst Fischer et al. (Berlin: Berliner Wiss. Verl., 2004), 506.

برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

The Hostage Trial, XV Law Reports of Trials of War Criminal, United Nation Wartime Commission, (London, 1949-1948), at. 111.

93. Dormann, op.cit., 8.

حملات اطلاعاتی را برعهده دارند.^{۹۴} حضور غیرنظامیان در اجرای حملات اطلاعاتی جنبه‌های گوناگونی دارد که می‌توان از اجرای خود حمله تا نگهداری و راه‌اندازی تجهیزات مورد استفاده در چنین حملاتی را دربر گیرد.^{۹۵} علل این حضور گسترده متخصصین غیرنظامی در امور مرتبط با حملات اطلاعاتی را باید این‌گونه برشمرد:

اول - نیاز به برخورداری از دانش تخصصی اطلاعاتی در اجرای چنین حملاتی و هزینه‌های گزاف آموزش این دانش به نیروهای دولتی طرف مخاصمه که در نهایت می‌تواند منجر به توسل نیروهای مسلح به کارشناسان غیرنظامی گردد؛^{۹۶}

دوم - ماهیت پیشرفته دانش مورد نیاز برای انجام حملات اطلاعاتی که باعث می‌گردد تا در بسیاری موارد، پرسنل نیروهای مسلح طرف‌های متخاصم اساساً فاقد چنین دانشی باشند.^{۹۷}

صرف‌نظر از آنکه دلایل استفاده از غیرنظامیان در حملات اطلاعاتی چه باشد، حضور پررنگ آنها در این عرصه واقعیتی است که غیرقابل انکار می‌باشد. از این رو پاسخ‌دهی به این پرسش که آیا این‌گونه مشارک‌های غیرنظامیان در عرصه حملات اطلاعاتی را می‌توان در زمره مصادیق مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات تلقی نمود، امری ضروری به نظر می‌رسد.

در راستای کوشش برای یافتن پاسخ صحیح، آنچه در آغاز راه چالش‌برانگیز محسوب می‌شود، این مسئله است که علی‌رغم اشاره اسناد بشردوستانه به مفهوم مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، این مفهوم تاکنون فاقد هرگونه تعریف روشنی باقی مانده است.^{۹۸}

بنابراین ضروری است تا در ابتدا این مسئله روشن شود که اساساً چه فعالیت‌هایی را می‌توان مشارکت مستقیم در مخاصمه محسوب نمود تا پس از آن وضعیت حضور غیرنظامیان در عرصه حملات اطلاعاتی قابل بررسی باشد.

94. Schmitt, "Direct Participation in Hostilities and 21st Century Armed Conflict," op.cit., 527.

95. Dormann, op.cit., 8.

96. Schmitt, "Direct Participation in Hostilities and 21 st Century Armed Conflict," op.cit., 527.

97. Ibid.

98. Dormann, op.cit., 8.

مشارکت مستقیم در مخاصمات را می‌توان متشکل از دو بخش دانست: الف - مخاصمه؛
ب - مشارکت مستقیم در آن.

در تعریف «مخاصمه» می‌توان گفت که مخاصمه فرایندی است کلی که در آن طرفین از ابزارها و روش‌های گوناگونی برای صدمه زدن به طرف دیگر استفاده می‌نمایند.^{۹۹} درج واژه مستقیم در تعریف فوق‌الذکر، به معنای آن است که مشارکت افراد در مخاصمه، نه تنها به صورت مستقیم بلکه به صورت غیرمستقیم نیز امکان‌پذیر می‌باشد و بنابراین باید بین این دو تفاوت قائل گردید. این جداسازی از آن جهت مهم می‌باشد که از منظر حقوق بشردوستانه تنها غیرنظامیانی که مشارکت مستقیم در مخاصمه داشته و نه آنها که به صورت غیرمستقیم در آن شرکت نموده‌اند، مشمول بحث مشارکت مستقیم و در نتیجه فاقد مصونیت در برابر حمله نظامی محسوب خواهند شد.

در حقیقت، سه شرط را می‌توان برای تلقی اعمال غیرنظامیان به عنوان مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه تلقی نمود. این سه شرط عبارتند از: ۱- وارد آمدن خسارت به طرف متخاصم؛ ۲- وجود رابطه سببی بین خسارت وارده و عمل فرد غیرنظامی؛ ۳- وابستگی عمل خسارت‌بار فرد به عملیات نظامی یکی از طرفین متخاصم.

۲-۳-۱- ورود خسارت به طرف متخاصم

وجود این معیار به معنای آن است که یک عمل را زمانی می‌توان مصداقی از مشارکت مستقیم دانست که موجب ورود خسارت به یکی از طرفین متخاصم گردیده باشد. این آستانه خسارت می‌تواند با وارد شدن آسیب به یک هدف نظامی طرف متخاصم، مرگ، زخمی شدن و یا تخریب در رابطه با افراد و اماکن مورد حمایت وی محقق گردد.^{۱۰۰}

به هنگامی که صحبت از لزوم ورود خسارت به یک هدف نظامی می‌گردد، نباید آن را صرفاً ایجاد خسارت فیزیکی معنا نمود و منظور از ورود خسارت، هرگونه نتایج زیان‌باری می‌باشد که بر اثر یک عمل به توان نظامی و عملیات جنگی یکی از طرفین متخاصم وارد گردد.

99. Nils Melzer, "Direct Participation in Hostilities Under International Humanitarian Law" (Geneva: ICRC, May 2009), 43.

100. Ibid, 47.

پیشتر اشاره شد که ماده ۴۹ پروتکل اول الحاقی، حمله نظامی را هرگونه «اعمال خشونت بر علیه دشمن اعم از آنکه در مقام حمله یا دفاع باشد»، می‌داند.^{۱۰۱} در حقیقت، عبارت «بر علیه دشمن»، دارای آن چنان کلیتی می‌باشد که آن را می‌بایست نه تنها شامل اقداماتی دانست که بر علیه اهداف نظامی صورت می‌گیرند، بلکه حمله به هر هدف دیگری که به نحوی به یک طرف متخاصم مرتبط باشد را هم باید مشمول آن محسوب نمود؛ بنابراین هر عمل خشونت‌باری که مستقیماً بر علیه غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی وابسته به طرف مقابل صورت گیرد را نیز باید به عنوان مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه محسوب نمود.^{۱۰۲}

باید توجه داشت که وقتی صحبت از معیار لزوم وقوع خسارت می‌گردد، صرفاً نمی‌توان تحقق آن را محدود به زمانی نمود که خسارت به صورت عملی محقق شده باشد بلکه حتی اگر ورود خسارت، نتیجه محتمل ارتکاب یک عمل نیز باشد برای اثبات این شرط کفایت خواهد نمود.

۲-۳-۲- وجود رابطه سببی بین خسارات وارده و عمل فرد غیرنظامی

ضرورت وجود رابطه سببی بین عمل فرد و خسارت واردآمده به آن معناست که احتساب یک عمل به عنوان مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه، نیازمند وجود یک رابطه سببی مستقیم بین عمل ارتكابی فرد در جریان مخاصمه و خسارت واردشده به دشمن در زمان و مکانی می‌باشد که عمل ارتكاب یافته است.^{۱۰۳}

اهمیت وجود رابطه سببی بین عمل فرد و خسارت وارده به طرف متخاصم، هنگامی آشکار می‌گردد که بدانیم در یک مخاصمه مسلحانه، فعالیت‌های طرفین متخاصم تنها به عملیات نظامی مستقیم علیه یکدیگر محدود نمی‌باشد و در حقیقت بخش بزرگی از فعالیت‌های طرفین متخاصم مرتبط با امور پشتیبانی از عملیات نظامی می‌باشد. این فعالیت‌ها که می‌توان آنها را با عنوان کلی تلاش جنگی^{۱۰۴} طرف متخاصم نامید، شامل همه فعالیت‌هایی است که به طور موضوعی کمک‌کننده به شکست نظامی دشمن می‌باشند.^{۱۰۵}

101. Ibid, 49.

102. Schmitt, "Direct Participation in Hostilities and 21 st Century Armed Conflict," op.cit., 508.

103. Ibid, 508.

104. War Effort.

105. Melzer, op.cit., 51.

از جمله این فعالیت‌ها، تولید سلاح و تجهیزات نظامی و انتقال آنها به جبهه‌های جنگ، تأمین خوراک و پوشاک رزمندگان و همچنین نقل و انتقال نیروهای مسلح را می‌توان نام برد. فعالیت‌های مرتبط با تلاش جنگی، دارای تفاوت عمده‌ای با عملیات نظامی مستقیم بر علیه دشمن هستند. در واقع، برخلاف حمله نظامی که مستقیماً برای ورود خسارت به دشمن صورت می‌گیرد، این فعالیت‌ها صرفاً تقویت‌کننده توانایی طرف متخاصم برای انجام چنین حملاتی خواهند بود.^{۱۰۶}

به عبارت بهتر، از آنجایی که بین ارتکاب این اعمال و خسارات وارده به طرف دیگر متخاصم نمی‌توان پیوند مستقیم برقرار نمود، به گونه‌ای که این اعمال را مسبب ورود خسارت به دشمن دانست، نباید فعالیت‌های صورت‌گرفته در راستای تلاش جنگی یک طرف متخاصم را مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه به حساب آورد. به عنوان نمونه، صرف فعالیت یک شرکت خصوصی نظامی در آموزش نظامی نیروهای مسلح یک طرف متخاصم را نمی‌توان مشارکت مستقیم دانست، مگر در حالتی که آموزش این افراد به منظور شرکت در یک عملیات نظامی از پیش مشخص شده بوده باشد، به گونه‌ای که بتوان این اعمال آموزشی را نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از آن عملیات نظامی محسوب نمود.^{۱۰۷}

گذشته از این، امروزه در بسیاری از مخاصمات مسلحانه، پاره‌ای فعالیت‌ها وجود دارند که علی‌الظاهر ارتباط مستقیمی را بین آنها و خسارت وارده بر دشمن نمی‌توان پیدا نمود. در چنین مواردی نیز اگر بتوان اعمال مذکور را در کنار مجموعه‌ای از دیگر فعالیت‌ها، تشکیل‌دهنده عملیاتی نظامی دانست که به صورت مستقیم موجب ورود آسیب به دشمن می‌گردد، باید حکم به وجود رابطه سببی بین این عمل و خسارات حاصله داده و عمل را نوعی مشارکت مستقیم در مخاصمه محسوب نمود.^{۱۰۸}

مصادق چنین فعالیت‌هایی، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده در رابطه با یک هدف نظامی توسط کارشناسان وابسته به یک شرکت خصوصی نظامی می‌باشد که به تنهایی موجب ورود هیچ خسارتی به طرف دیگر متخاصم نمی‌شود، اما اگر همین تجزیه و تحلیل اطلاعات به فرماندهان نظامی منتقل و از آنها برای انجام یک حمله موشکی به آن هدف

106. Ibid, 52.

107. Ibid, 53.

108. Ibid, 54.

استفاده گردد، آن را می‌بایست دارای رابطه سببی با زیان حاصله دانسته و در نتیجه نوعی مشارکت مستقیم در مخاصمه تلقی نمود.

۲-۳-۳- وابستگی عمل خسارت‌بار فرد به عملیات نظامی یکی از طرفین متخاصم برای آنکه بتوان یک عمل را مشارکت مستقیم در مخاصمه محسوب نمود، نه تنها چنین عملی می‌بایست دو معیار آسیب‌رسانی به طرف دیگر متخاصم و رابطه سببی را دارا باشد، بلکه می‌باید به صورت اختصاصی به منظور پشتیبانی از یکی از طرفین متخاصم مسلحانه و به زیان طرف دیگر متخاصم طراحی و اجرا شده باشد.^{۱۰۹}

بنابراین اعمالی از قبیل آنچه که در جریان آشوب‌های داخلی و توسط آشوب‌گران روی می‌دهد حتی اگر باعث بروز خسارت نیز شده باشند را نباید مشارکت مستقیم در مخاصمه تلقی نمود، زیرا هدف اساسی آنها نه جانب‌داری از طرف دیگر متخاصم مسلحانه، بلکه صرفاً ابراز ناراضی از مقامات محلی یا حکومتی می‌باشد.^{۱۱۰}

به نظر می‌رسد در اینجا باید به این مطلب هم اشاره نمود که سه معیاری که برای شناسایی مشارکت مستقیم در مخاصمات مطرح گردید، تنها زمانی قابلیت استعمال دارند که آنها را به صورت مورد به مورد و بر اساس شرایط خاص هر مورد به کار گرفت، در این رابطه می‌توان به نظر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ در رابطه با جنایات جنگی ارتکاب‌یافته علیه افرادی که مشارکت مستقیمی در درگیری‌ها نداشته‌اند، اشاره نمود: «کشیدن مرزی دقیق بین اقدام‌کنندگان به مشارکت فعال در مخاصمات و آنهایی که چنین مشارکتی نداشته‌اند، غیرضروری می‌باشد. بررسی حقایق مرتبط با هر قربانی و روشن نمودن اینکه آیا در هر مورد خاص شخص به صورت عملی و در زمان مربوطه در مخاصمه شرکت نموده، کافی می‌باشد.»^{۱۱۱}

بر مبنای آنچه گفته شد، نمایی کلی از آنچه که می‌تواند مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه نام گیرد، به دست می‌آید. حال نوبت آن است که ببینیم آیا فعالیت‌های غیرنظامیان در راستای حملات اطلاعاتی نیز در چنین چارچوبی جای خواهند گرفت یا خیر؟

109. Ibid, 58.

110. Ibid, 63.

111. ICTY, Prosecutor Vs. Dusko Tadic, Case IT-94-1, Opinion and Judgment 7 may 1997, Para.

به طور کلی، فعالیت‌های انجام‌شده برای وقوع یک حمله اطلاعاتی را می‌توان به سه گروه مختلف تقسیم نمود. این سه دسته عبارتند از: ۱- شناسایی هدف مورد حمله؛ ۲- طراحی ابزار به کاررفته در حمله اطلاعاتی؛ ۳- اجرای حمله اطلاعاتی.

به مانند هر حمله‌ای که با توسل به سلاح‌های کلاسیک صورت می‌گیرد، در انجام یک حمله اطلاعاتی نیز شناخت کافی از سیستم مورد حمله و نقاط آسیب‌پذیر آن، به حمله‌کنندگان این امکان را خواهد داد تا اثرات مخرب حمله خود را افزایش دهند. عملیات شناسایی صورت‌گرفته در جنگ اطلاعات از بسیاری جهات مشابه خود حمله اطلاعاتی می‌باشد، با این تفاوت که ابزار به کاررفته در این عملیات به جای آنکه موجبات تخریب عملکرد سیستم مورد هدف را فراهم کنند، با نفوذ به درون سیستم، صرفاً به ارزیابی و بررسی آن پرداخته و سپس یافته‌های خود را به مرکز هدایت‌کننده عملیات، ارسال می‌نمایند.^{۱۱۲}

عملیات جمع‌آوری اطلاعات در اجرای هر حمله قریب‌الوقوعی نقشی اساسی ایفاء می‌نماید و در حقیقت می‌بایست آن را جزئی جدایی‌ناپذیر از ساختار حملات تلقی کرد، چراکه اساساً زمانی می‌توان انتظار انجام یک حمله موفقیت‌آمیز را داشت که از وضعیت هدف مورد حمله و نقاط ضعف آن شناخت کافی به دست آمده باشد. جنگ اطلاعات در این رابطه از دیگر حملات مستثنا نمی‌باشد و شناسایی مقدماتی از هدف مورد حمله اطلاعاتی نیز نقشی قابل توجه در موفقیت حمله برعهده خواهد داشت. در واقع متصدی انجام عملیات شناسایی در یک حمله اطلاعاتی همان نقشی را ایفاء می‌نماید که افسر شناسایی واحد توپخانه در انجام حملات توپخانه‌ای، برعهده دارد.^{۱۱۳}

در واقع همان‌گونه که در بحث عناصر تشکیل‌دهنده مشارکت مستقیم نیز اشاره گردید، هرگاه بتوان عملی را به گونه‌ای در ترکیب با دیگر عناصر تشکیل‌دهنده یک حمله تلقی نمود که اساساً نبود آن تأثیر منفی در انجام موفقیت‌آمیز حمله بر جای گذارد، چنین عملی را می‌بایست جزئی از خود حمله محسوب گردانیده و قائل به وجود رابطه سببیت بین آن عمل و خسارات ناشی از حمله گردید.^{۱۱۴}

در همین راستا، اگر عملیات شناسایی منجر به وقوع حمله اطلاعاتی منسوب به یکی از طرفین متخاصم، توسط فردی غیرنظامی صورت گیرد، در صورت منجر شدن حمله اطلاعاتی

112. Watts, op.cit., 400.

113. Ibid, 429.

114. Melzer, op.cit., 54.

به بروز خسارت و یا مطرح شدن احتمال بروز آن در صورت وقوع حمله، عمل متصدی غیرنظامی عملیات شناسایی را می‌بایست مصداقی از مشارکت مستقیم در مخاصمه محسوب نمود.^{۱۱۵}

طراحی و ساخت ابزار به کاررفته در حمله اطلاعاتی، یکی دیگر از ضروریات انجام چنین عملیاتی می‌باشد. نقش کارشناس سازنده این ابزارها در یک حمله اطلاعاتی که می‌تواند اشکال گوناگونی از ویروس‌ها تا کرم‌های اینترنتی را دربر گیرد، مشابه همان نقشی است که طراحان و سازندگان سلاح‌های سنتی در مخاصمات مسلحانه کلاسیک ایفاء می‌نمایند. به عبارت بهتر، می‌توان جایگاه سازنده یک ابزار اطلاعاتی را معادل همان جایگاهی دانست که کارگر کارخانه تولید تانک در جریان یک مخاصمه مسلحانه سنتی اشغال نموده است. در واقع، همان‌طور که اشاره شد چنین فعالیت‌هایی که با نام تلاش جنگی از آنها یاد می‌شود، صرفاً تقویت‌کننده توان جنگی متخصصین بوده و از آنجا که نمی‌توان پیوند مستقیمی بین این فعالیت‌ها و خسارات ناشی از عملیات نظامی طرفین متخاصم برقرار نمود، عدم تلقی فعالیت‌های غیرنظامیان در این چارچوب به عنوان مشارکت مستقیم در مخاصمه هم مورد توافق عمومی دولت‌ها می‌باشد.

در همین راستا، به نظر می‌رسد در صورتی که طراحی و ساخت ابزار مورد استفاده در حمله اطلاعاتی توسط غیرنظامیان صورت گرفته باشد، با توجه به عدم وجود ارتباط مستقیم بین بروز خسارت ناشی از حمله و عمل متخصص غیرنظامی در طراحی ابزار اطلاعاتی، این افراد را نیز می‌بایست همانند هم‌تایان خود در مخاصمات مسلحانه کلاسیک از دایره شمول مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، خارج نمود.^{۱۱۶}

نهایتاً، باید به سومین عنصر ضروری در انجام یک حمله اطلاعاتی، یعنی اجرای حمله اطلاعاتی اشاره نمود. حملات اطلاعاتی نیز به مانند هر حمله کلاسیکی، نیازمند به فرد یا افرادی برای اجرا می‌باشند. در یک حمله اطلاعاتی، متصدی اجراکننده حمله که بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده از هدف مورد نظر، ابزار اطلاعاتی را علیه آن به کار می‌اندازد، نقش همان سربازی را ایفاء می‌نماید که ماشه اسلحه هدف‌گیری شده به سوی دشمن را می‌چکاند.^{۱۱۷}

115. Watts, op.cit., 400.

116. Ibid, 400.

117. Ibid, 403.

اجرای حمله اطلاعاتی در صورتی که توسط افراد غیرنظامی صورت پذیرفته باشد، می‌تواند به عنوان بارزترین مصداق مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه مسلحانه محسوب شود. چنین حمله‌ای اگر موجب بروز جرح، مرگ یا تخریب شود، بی‌شک نمونه‌ای از مشارکت مستقیم در مخاصمه تلقی شده و موجب از دست رفتن مصونیت فرد غیرنظامی مربوطه و محسوب شدن وی به عنوان رزمنده‌ای غیرقانونی می‌گردد.^{۱۱۸}

اما در صورتی که حمله اطلاعاتی انجام شده توسط فرد غیرنظامی، موجب بروز خسارت نشده و در نتیجه به سطح حمله مورد نظر در چارچوب اصل تفکیک نرسیده باشد، اقدام فرد غیرنظامی مشارکت مستقیم به شمار نیامده و فرد مزبور همچنان مصون از هرگونه حمله‌ای باقی خواهد ماند.^{۱۱۹}

بدیهی است که مطرح شدن بحث مشارکت مستقیم در مخاصمه، در ارتباط با غیرنظامیان فعال در عرصه حملات اطلاعاتی زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که فرد حمله‌کننده دارای پیوند با یکی از دولت‌های طرف مخاصمه بوده و در نتیجه حمله صورت گرفته نیز قابل انتساب به یکی از آن دولت‌ها بوده باشد. به عبارت بهتر، انجام حمله اطلاعاتی با انگیزه‌های شخصی از سوی فرد غیرنظامی مشمول بحث مشارکت مستقیم نبوده و صرفاً می‌توان آن را عملی مجرمانه و قابل تعقیب در چارچوب حقوق کیفری به حساب آورد.

نتیجه

حقوق بشردوستانه به عنوان شاخه تخصصی از حقوق بین‌الملل در بحث مخاصمات مسلحانه، با این هدف شکل گرفته که بتواند با وضع قواعد مناسب، چهره زشت و غیرانسانی جنگ را اندکی انسانی‌تر نماید و در این راستا، اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان را، به سبب تأکید ویژه آن بر لزوم جداسازی رزمندگان و غیرنظامیان در عرصه نبرد، به درستی می‌باید سنگ‌بنای سایر قواعد حقوق بشردوستانه محسوب نمود.

دستیابی به هدف انسانی‌تر کردن مخاصمات، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که قواعد بشردوستانه و در رأس آنها اصل تفکیک، به گونه‌ای متناسب با متحول شدن عرصه‌های نبرد که هر روزه به لطف پیشرفت تکنولوژی بشری، سلاح‌های جدیدی را به خود می‌بینند، تطابق یابند.

118. Schmitt, "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello," op.cit., 383.

119. Ibid, 384.

یکی از این تکنولوژی‌های جدید که روز به روز جای بیشتری در عرصه مخاصمات و مناقشات بین دولت‌ها پیدا می‌کند، جنگ اطلاعات می‌باشد که موجب بحث بسیاری در ارتباط با امکان اجرای قواعد بشردوستانه در مورد خود نیز شده است.

صرف‌نظر از نظراتی که یا با فرض امکان اجرای کلی حقوق بشردوستانه بر جنگ اطلاعات، قواعد موجود آن را برای اعمال بر جنگ اطلاعات ناکافی دانسته و یا اساساً این پدیده را به سبب ماهیت غیرفیزیکی آن خارج از شمول قواعد بشردوستانه محسوب می‌کنند، به نظر می‌رسد که نه تنها می‌توان قواعد بشردوستانه را در کلیت آن حاکم بر جنگ اطلاعات دانست، بلکه امکان رعایت بسیاری از قواعد کلاسیک بشردوستانه نیز بر جنگ اطلاعات وجود دارد.

از جمله مهم‌ترین این قواعد، اصل تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان می‌باشد که در صورت بروز جنگ اطلاعات در قالب حملات اطلاعاتی، به خوبی در ارتباط با این حملات لازم‌الرعایه می‌باشد.

با این وجود به نظر می‌رسد که در ارتباط با برخی از جنبه‌های اجرای اصل تفکیک بر حملات اطلاعاتی، ایجاد قواعدی تکمیل‌کننده ضروری باشد.

از آن جمله می‌توان به لزوم ایجاد قواعد شدیدتر محدودکننده در رابطه با جلوگیری از حملات تفکیک‌ناپذیر اطلاعاتی و همچنین ضرورت تدوین قواعد تسهیل‌کننده و تشویق‌کننده در مواردی که با استفاده از حملات اطلاعاتی و در قیاس با سایر سلاح‌ها می‌توان آثار مخرب کمتری در چارچوب رعایت اصول تناسب و احتیاط ایجاد نمود، اشاره کرد.

همچنین به نظر می‌رسد که با توجه حضور گسترده غیرنظامیان در فعالیت‌های مرتبط با حملات اطلاعاتی که در بسیاری موارد می‌توانند مشمول بحث مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات گردند، ضرورت ابهام‌زدایی در حوزه قواعد لازم‌الاجرای بین‌المللی از این مفهوم در کلیت آن و یا دست‌کم در مورد حملات اطلاعاتی صورت‌گرفته در این چارچوب، بیش از پیش مورد تأیید قرار گرفته باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

ایبسن، نات. «رزمندگان و غیررزمندگان». ترجمه کتابیون حسین‌نژاد در حقوق بشردوستانه در *مخاصات مسلحانه*، دیتر فلک، ویراسته سید قاسم زمانی و نادر ساعد. ۱۴۵-۱۰۱. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۷.

مورکیان، محمود. «جنگ اطلاعات از منظر حقوق بین‌الملل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵.

ب) منابع انگلیسی

Brown, Davis. "A Proposal for an International Convention to Regulate the Use of Information Systems in Armed Conflict." *Harvard International Law Journal* 47(1) (2006): 179-221.

Dormann, Knut. "Applicability of the Additional Protocol to Computer Network Attacks, International Expert Conference on Computer Network Attacks and the Applicability of International Humanitarian Law." Stockholm (2004): 3. Last Visited 2012/05/10. <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/681g92.htm>

ICTY, Prosecutor vs. Dusko Tadic, Case IT-94-1, Opinion and Judgment, May 7, 1997.

Kelsey, Jeffrey T.G. "Hacking into International Humanitarian Law: the Principles of Distinction and Neutrality in the Age of Cyber Warfare." *Michigan Law Review* 106 (2008): 1427-1452.

Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapon, ICJ Reports, 1996.

McDonald, Avriil. "The Challenges to International Humanitarian Law and the Principles of Distinction and Protection from the Increased Participation of Civilians in Hostilities." Paper Presented at the Round Table of "Initiative on Interplay between International Humanitarian Law and International Human Rights Law", Tehran, Tehran University, April, 2004.

Melzer, Nils. "Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law." Geneva: ICRC, May, 2009.

Protocol Additional to Geneva Conventions of 12 August 1949.

Robbat, Micheal J. "Resolving the Legal Issues Concerning the Use of Information Warfare in the International Forum: The Reach of the Existing Legal Framework, and the Creation of a New Paradigm." *Journal of Science & Technology Law* 6 (2000): 264-289.

Schmitt, Michael N. "Direct Participation in Hostilities and 21st Century Armed Conflict." In *Crisis Management and Humanitarian Protection: Festschrift fur Dieter Fleck*, edited by Horst Fischer, 505-529. Berlin: Berliner Wiss. Verl, 2004

Schmitt, Micheal N. "Wired Warfare: Computer Network Attack and Jus in Bello." *International Review of the Red Cross* 84(846) (2002): 365-399.

Sussoli, Macro. "Legitimate Targets of Attacks under International Humanitarian Law." Paper Presented at the Meeting on the Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law, The Program on Humanitarian Policy and Conflict Research In Harvard University, Cambridge, UK, January 27, 2003.

Watts, Sean. "Combatants Status and Computer Network Attack." *Virginia Journal of International Law* 50 (2010): 391-447.

Information Warfare in Terms of the Principle of Distinction between Combatants and Civilians in the Armed Conflicts

Keivan Eghbali

Ph.D. Student of International Law, Faculty of Law and Political Sciences of
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Email: keivan_eghbali@yahoo.com

Principle of distinction between combatants and civilians, as fundamental rule of humanitarian law, has a basic role in protection of civilians against destructive effects of war. For continuation of this ability, the principle of distinction is needed to comply with new phenomena, which thanks to advances in technology, nowadays appear in conflict areas.

As one of these phenomena, the information warfare, for its non-kinetic nature and destructive effects, could create doubts about its compatibility with the principle of the distinction, when one of belligerent parties uses it against other.

This paper examines how the principle of distinction between combatants and civilian can be implemented in this situation.

Keywords: Information Warfare, Principle of Distinction between Combatants and Civilians, Computer Network Attack, Combatant, Civilian, Military Object, Civilian Object, Direct Participation of Civilians in Armed Conflict.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 2

2018-2

- **Investigation of Legitimacy of Foreign State Intervention in Non-International Armed Conflict: Deliberating about Yemen Crisis**
Dr. Aramesh Shahbazi - Pouya Berelian
- **Analyzing the Legal Dimensions of Transgenic Biotechnology on the base of Food Security**
Dr. Najmeh Razmkhah - Dr. Bahareh Heydari
- **Feature Assignment in Electronic Evidence**
Dr. Iraj Behzadi
- **Information Warfare in Terms of the Principle of Distinction between Combatants and Civilians in the Armed Conflicts**
Keivan Eghbali
- **Abuse of Immunities and Privileges of International Organizations; Looking for a Solution**
S. Ali Hosseiniyazad - Masoud Ahsannejad
- **Explanation of Tools of Establishment of Inventive Step Requirement in Inventions (Prior art, Person Having Ordinary Skill in the Art)**
Hamed Najafi - Mahsa Madani
- **National Interests from the Perspective of International Law and International Relations Theories**
Heidar Piri - Parisa Dehghani
- **The Territorial Jurisdiction of Iranian Courts toward Cyber Crimes**
Najmeh Ghaffari Elahi Kashani
- **The First Judgment of the ICC: The Applicable Law in Armed Conflicts between a State and Non-Governmental Groups**
Samaneh Shabani
- **An Overview on the Concept of Consultation in the Bill of Commercial Procedure**
Dr. Kouros Kaviani - Parviz Rahmati - Reza Khodkar
- **COUNCIL REGULATION (EU) No 1259/2010 of 20 December 2010 Implementing Enhanced Cooperation in the Area of the Law Applicable to Divorce and Legal Separation**
Translators: Dr. Mehdi Amini - Dr. Hossein Kaviar



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study